کتاب مخفی یهود نبوئت هیلد

این کتاب قرن ها در کتابخانه علمای یهود به نام کتاب مرموز مخفی بوده است

VRY BANTIING AFFLATUS JEWRY BANTIING AFFLATUS



VRY BANTIING AFFLATUS JEWRY BANTIING AFFLATUS

JEWRY BANTIING AFFLATUS



سيد على موسوى مطلق

کتاب مخفی یهود نبوئت هیلد

على موسوى مطلق

نبونت هیلد سید علی موسوی مطلق

ناشر: انتشارات هنارس نوبت چاپ: دوم (چاپ اول خرداد ۸۵) تاریخ چاپ: ۱۳۸۵ چاپ و صحافی: زیتون / شیرازی امور رایانه: الغدیر قم شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه قیمت: ۸۰۰ تومان isbn:964-8736-21-9

مرکز پخش: قم ـ خیابان صفائیه ـ کوی ممتاز ـ کوچهی فـروردین انتشارات هنارس ـ تلفن: ۷۸۳۱۴۱۱ ـ ۷۷۴۵۰۸۳

برداشت از مطالب بدون اجازهی مؤلف، ممنوع است تمامی حقوق محفوظ و مخصوص مؤلف است

فهرست مطالب

پیشگفتار
پیشینهی تاریخی کتاب نبوئت۱۶
مخفی نمودن بشارات۱۰
برخی از بشارات کتب یهود۲۱
شرح آیات کتاب نبوئت هیلد
آیه اول
* پس از این بیاید امت:۳
 * وگروهی که جهان را متزلزل سازند و بدست پسر
کنیزک:
* خرابيها:
* و خاموشی ها:

	آیه دوم
٣٧	* در جهان:
٣٨	* متحرک کند: *
	آیه سوم
	آیه چهارم
۴.	* درخت برازنده:
	آیه پنجم
44	* روشن كننده:
44	رهبری امت
۴۸	توضیح ادامه آیهی:
	آیه ششم
49	* محكم فرمايد سخن گفتن را:
۵٠	* و مدح کردن و تسبیح نمودن را:
۵٠	معراج پیامبر
۵٠	* و برود ـ و بپرد: *
۵۰	خلاصه چگونگی معراج

نبوئت هیلد (وحی کودک یهود)

۵۳	اثبات علمی سرعت سیر پیامبر در معراج
۵۳	سیارههای نترونی
۵۵	مدار ۵۰ درجهمدار
۵۶	* و بیرون آورد جان امیران را:
	آیه هفتم
۵۷	* نابود كند عُزّا را:
۵۷	* و از عزت بیندازد عزیزان را:
۵۸	* و باطل فرماید هرگونه بدعت را:
۵۸	* و سلطنت كند آسمان را:
	آیه هشتم
Δ٨	* از میان اعراب برخیزد:
۵۹	* و فرزندان بت پرستان را با شوکت فرماید:
۵۹	* قانون بالاى قانون:
۶.	علت نزول قرآن در طول زمان
۶۲	* و خواندنش موجب شرح صدر و فرح است:

	ایه نهم
۶۳	معجزه شق القمر:
۶۴	تحقيقات سازمان ناسا در خصوص معجزه شق القمر:.
	آیه دهم
99	* ستارهها و یا برجها به طویله کشیده شوند:
99	* و بروید کسی که سزاوار هر گونه کمال است:
	آیه یازدهم
۶۷	* برتر از همه:
	آیه دوازدهم
۶۸	* وي اسير كند در ساعت خوبي در سرزمين مرغوب:
۶۹	* و خدا او را رحم كند
	آیه سیزدهم
٧٢	بشارات ظهور حضرت امام زمان:
	آيه چهاردهم
٧۶	* لباس کهنهی سیاست:
	آیه پانزدهم

نبوئت هیلد (وحی کودک یهود)

۷۷	برچيده شدن بتهان
	آیه شانزدهم
۷۸	ششنفرآرزومند به سختی افتد
۷۸	كربلا و عاشورا
٧٩	* چسبیدگان به زحمت افتند:
	آیه هفدهم
٧٩	مصائب كربلا:
	آیه ه <i>جد</i> هم
۸۱	* سر از قفا با خنجر بریده شود:
۸۱	* دو دست قطع گردد:
۸۴	* در کنار شط فرات واقع شود:
۸۴	* تغییراتی در زمین و آسمان پدید آید:
	آیه نوزدهم
۸۷	خیمههای سوختهی رنگین:
	آیه بیستم
۸٩	اسارت:ا

	آیه بیست و یکم
۹.	اولاد ادومی:
	آیه بیست و دوم
41	محبت شیعیان:
	آیه بیست و سوم
97	بنی عباس
93	مجلسيين
94	توضيح پاياني
94	منابع

دهانش شیرین است و تمامش محمد است، این محبوب من است و ایسن یار من است ای دختران اورشلیم.

سرود سلیمان (قصل پنجم، آیدی ۱۰ تا ۱۵)

پیشگفتار

تاریخ قبرستانی بزرگ، تاریک و غمناک بود. قرنها پس از یکدیگر همه سرد و سیاه، نسلها پی در پی همه تکراری. اندیشهها و آرمانها همه موروثی و تمدن و هنر همه مرده. ناگاه در ظلمت افسرده شب، لرزهای بر اندام هستی و طپشی سراسرگیتی را فراگرفت و انقلابی در عمق جانها و جوششی در قلب وجدانها ایجاد، و نوری سپید جهان عصیانگر را چون روز روشن نمود. آن شب که آبستن یک مسیح و اسارتی زاینده ی یک نجات بود و انهدام طور خودساخته ی سامی ها و عروج خاک مرده آدم به روح را به دنبال داشت مشعل فروزان هدایت و انسان بودن را به

دست چوپانی از تبار بت شکن تاریخ داد که همچون مسیح لطافت نسیم رحمتش دلها را آغشتهی محبت، و چون موسی به یکباره آتشفشان غضب و قهر بر ظالمان فرود آورده و چون ابراهیم نه تنها بتهای ساختهی سنگ و خاک بلکه بت جمود و جهل و تعصب سیاه و رذائل و خُلق حیوانی را نابود و فریاد تخلقو بالاخلاق الله را بر سر سیاهی زمان خویش کوبید، بوده تا فردائی را آغاز و غم قرنها رذالت را زدوده و بر پیکرهی تاریخ نقشی ماندگار از پاکی به جای گذارد. آری... اسلام آمد... مولودی مبارک که ورق سرنوشت را از سر نوشت و روح را برای ملتها به ارمغان آورد.

این مولود که قرنها قبل مژده تولدش را پیامبرانی آسمانی به بشریت و عده داده بودند، به زودی رگهای گیتی را به خروشِ خونِ انسانیت وا داشت. اما سیاه دلان تاریخ و سزار و فرعونِ جاری شده در اذهان که در متون مقدسشان بشارت این ظهور را داده بودند، آنگونه که شیطنت شیطان هبوط آدم را سبب شد و غرور فرعون او را در برابر کلیم الله قرار داد و آتش جهل و شهوت نمرود ابراهیم را فراگرفت و ابلهان یهود محبت مسیح را ندیدند، آغاز انکار نمودند و این نعمت را منکرگشتند و این خطوط قصدی

یکی از این بشارات است که جهل و غرض یهود آن را قرنها در پَسِ حماقت خود پنهان داشته است.

به حول و قوه الاهی موفق شدیم قسمتی از کتاب وحی کودک را استخراج و با استفاده ی بیش از ۱۲۰ منبع فارسی ـ عربی ـ انگلیسی ـ عبری ـ کلدانی، بررسی مجملی که هم اکنون پیش روی شماست تدوین نمائیم. بخش دیگر کتاب نبوئت هیلد متأسفانه تاکنون از پشت پرده ی غرض و مرضهای یهود نمایان نگشته و همچنان در پرده ابهام باقی مانده است. در این زمینه و جهت دست یابی به آن تلاشهای زیادی انجام شد و پس از تحقیقات بسیار درباره ی آن تنها اشاراتی از موضوعش بدست آمد که گویا بخشی از آن درباره ی ترور پیامبر اسلام توسط یهودیان و همچنین بشاراتی صریح درباره ی موعود آل محمد شریفی و افعال یهود در زمانهای مختلف است. ا

۱. از کتابهای بشارات مهدین، کتاب اقامة الیهود فی رد الیهود، کتاب محضر الشهود فی رد الیهود، کتاب تورات صهیونیست.

۲. بنده پس از تحقیقاتی در این زمینه به وضوح نقش یهود را در شهادت پیامبر
 اسلام مشاهده نمودم، لذا تحقیقات خود را روی این مسئله متمرکز نموده که در

بعضی از استنادات و شرح آیات از کتاب بشارات عهدین و منبع اصلی آن کتاب اقامة الشهود فی رد الیهود آقتباس گردیده اما به دلیل اینکه چاپ قدیمی این کتاب در دست ما بود هر جاکه احساس گردیده توضیح کافی نبوده و یا به استنادات علمی مورد نیاز بوده است، شرح بیشتری داده شده است به حدی که بعضی از مطالب این کتاب برای نخستین بار است که در ایران به چاپ می رسد.

با وجود اینکه چاپ اول از کیفیت نامطلوبی از نظر امور فنی برخوردار بود، اما مورد استقبال کم نظیر عموم مردم قرار گرفت، به حدی که در سایتهای بسیاری مطالبی از آن نقل و مورد توجه قرار گرفت و چند تن از محققان درخواست نمودند که این کتاب را

على نهايت منجر به تدوين كتاب اسرار شهادت پيامبر گرديد، كه هم اكنون مقدمات طبع آن فراهم مى شود.

۳. البته کتابی دیگر در این زمینه رجود دارد به نام محضر الشهود فی رد الیهود و از اولین کتبی است که دربارهی وحی کودک مطالبی بیان داشته است، اما این کتاب دربارهی وحی کودک اجحاف نموده و با توجه به اینکه منابع بسیاری در دست مؤلف بوده لکن مختصرگونه به آن پرداخته است. برداشتها و تفاسیر و حتی آیات آن با منابع استخراجی ما تفاوت زیادی دارد که در هنگام بیان آیات به آن اشاره خواهیم نمود.

به زبانهای انگلیسی و فرانسه ترجمه کنند که انشاء الله این امر هم واقع خواهد شد. بر اساس نظریات علاقمندان تصمیم گرفته شد که چاپ دوم آن باکیفیتی بهتر عرضه گردد، همچنین چون بسیاری از علاقمندان خواستار این بودند که منابع تحقیقی ما به صورت کامل جهت راهنمایی در کتاب ذکر شود، تمامی منابع در انتهای کتاب ذکر گردیده است. به امید آنکه این برگ سبز مورد پذیرش درگاه احدیت قرار گیرد.

سید علی موسوی مطلق

۲. البته بعضی از این منابع از نظر ما جزء «کتب ضاله» میباشند، لکن به جهت بررسی بهتر و آشنائی با نظرات مخالفان دین مقدس اسلام از آنها نیز بهره گرفته شده است و با این تفاوت که از متن آنها چیزی در این کتاب نیست، تنها به شبهاتی که مطرح کرده اند پاسخ داده شده است، نمونه آن کتاب «میزان الحق» که رد قرآن کریم است میباشد.

پیشینهی تاریخی کتاب نبوئت^۵

در صبح پنجشنبه، اول تشرین مسال ۴۲۰، حدود هفتاد سال پسیش از بسعثت پسیامبر اسلام کالگاتی یعنی پس از خرابی دوم بیت المقدس کودکی مرموز به نام لُخمان حَطُوفًاه و فرزند یکی از علمای پرهیزکار بنی اسرائیل به نام رِبّی پَنْحاس و زنی پاکدامن به نام راحیل متولد گردید. و بلافاصله پس از تولد به سجده افتاد و لحظاتی بعد برخاسته و رو به مادرش کلماتی مبهم و بیمناک به

۵. همانطور که در قبل اشاره شد، تفاوتهای در بیان منابعی که به نبوثت پرداختهاند وجود دارد، مثلا در کتاب محضر الشهود فی رد الیهود نام کتاب نبوت هیلد میباشد. از این پس به موارد اختلافی اشاره مینمائیم.

۶. از ماههای رومی ـ پائیز ـ آبان ماه.

٧. موارد اختلافي: نحمان ـ محضر الشهود في رد اليهود.

٨. موارد اختلافي: راحل محضر الشهود في رد اليهود.

زبان آورد: ای مادر! روی این پردهی آسمان که مینگرید نهصد و پنجاه پرده موجود و بالای آن چهار حیوان است و بالای آن حیوانات، کرسی بلند پایهای است و روی آن آتشی است سوزاننده و خدمتگذارانی آتشین. ۹ رِیّی پَنْحاس سخت بر آشفت و کودک را امر به خاموشی نمود. کودک از آن هنگام تما دوازده سال سخنی بر زبان نیاورد. مادر از سکوت ناگهانی او رنجیده شد، و گاه به رِبّی پَنْحاس میگفت: کاش این طفل به دنیا نیامده بود و اکنون که پروردگار مرحمت فرموده از سخن گفتن محروم نبود و بر ما شفقتی و از خدای بزرگ استدعا نمای تا بار دیگر فرزند عزیزمان به سخن آید. ربّی پَنْحاس در پاسخ راحیل گفت: اگر این کودک زبان گشاید، سخنانی خواهد گفت که موجب بيم و هراس مردم خواهد شد. ولي راحيل به اصرار ادامه داد و پَنْحاس سر باز میزد. اما پس از مدتها پذیرفت و در گوش كودك چنين نجواكرد: فرزند عزيزم! آنىچە خىواھىي بگو ولى مجمل و مرموز تا هیچ کس به مقاصد تو آگاه نگردد. و سپس به

٩. موارد اختلافی: پایان این فراز «کرسی تمام از آتش است» ـ محضر الشهود
 فی رد الیهود.

درگاه الاهی عرض حاجت نمود و دعایش مستجاب گردید و کودک پس از دوازده سال سکوت، زبان گشوده و کلماتی به زبان آورد. جملات این کودک موسوم به کتاب «نِبُونْتْ هَیِّلِدْ» به اندازهای سر بسته و نامفهوم بودکه حتی علماء و مفسرین یهود و اهل لغت عبري را دجار حيرت كرد، ' البته اين ابهام هفتاد سال پس از آن معنا پیدا کرد، و نشان داد که جملات لحمان بشارت ظهور پیامبر آخرالزمان و وقایع معاصر و بعدش بوده است، ۱۹ لكن علماى يهود بعضى مبهات را بهانه قرار داده و علامات و بشارات روشنی که راجع به پیامبر بزرگ اسلام بود را مربوط به شخصی نامعلوم دانسته و این کتاب را متروک و در دسترس طالبین و حتى عوام يهود قرار نمىدهند. اما در اثر عنايت خداى متعال یکی از علمای بزرگ یهود۱۲ پس از تأمل در آئین اسلام، مشرف به

١٠. محضر الشهود في رد اليهود.

۱۱. ادیب المسمالک فیراهانی در اشتعار خبود در مبورد ولادت پیامبر ﷺ اشارهای به این مطلب دارد:

یسودا بسعتم خساتهی کشسیر خیر داد و آن کودک تافسته لب از شیر خیر داد

ہسر ہمایک ہمرتا پمشر پمیر خمیر داد ممخدوم مصرالیل بنہ سنامیر خمیر داد

۱۲. البته در بعضی از کتب شخصی دیگر را به نام دحاج بابا قزوینی یزدی، که از

دین مقدس اسلام گردید، و بر اثر یک اتفاق کتابی از کتب بنی اسرائیل به نام (تبعید و میصواه) ۱۳ برای چاپ آماده می شد و از حسن تصادف نسخه ی صحیحی از کتاب نبوئت که به نظر علمای یهود آن زمان هم رسیده و بر صحت آن گواهی داده و مقدمه ای هم بر آن نوشته بودند، در آن موجود بود. این عنایت خدای متعال منجر به این گردید که سخنان الاهی آن کودک از پشت پردههای ضخیم مرضها و غرضها بیرون آید. ولی باز علمای یهود از نشر ضخیم مرضها و غرضها بیرون آید. ولی باز علمای یهود به نام آن جلوگیری نموده و فعلا در کتابخانه ها و نزد علمای یهود به نام کتاب متروکه و غیر معتمده نگهداری می گردد.

* * *

عظ علمای یهود بوده و به دین اسلام مشرف شده است را بیان می نمایند، وی صاحب کتاب محضر الشهود فی رد الیهود است، اما منبع ما کتاب داقامة الشهود فی رد الیهود» است که پیشینه ی کهن تری نسبت به کتاب محضر الشهود دارد. ۱۳. در منابع قدیمی ما نام کتاب تبعید و میصواه است، اما در محضر الشهود نام این کتاب تأکید و مصوه ذکر گردیده است. لازم به ذکر است آیة الله محمد صادقی صاحب کتاب اقامة صاحب کتاب اقامة الشهود نیز زبان عبری زبان مادری اش می باشد پذیرفتن رأی این دو نفو که هم مورد تأیید علمای اسلامند، مناسب تر است.

درگاه الاهی عرض حاجت نمود و دعایش مستجاب گردید و کودک پس از دوازده سال سکوت، زبان گشوده و کلماتی به زبان آورد. جملات این کودک موسوم به کتاب «نِبُونْتْ هَیَّلِدْ» به اندازهای سر بسته و نامفهوم بودکه حتی علماء و مفسرین یهود و اهل لغت عبری را دچار حیرت کرد، ۱۰ البته این ابهام هفتاد سال پس از آن معنا پیدا کرد، و نشان داد که جملات لحمان بشارت ظهور پیامبر آخرالزمان و وقایع معاصر و بـعدش بـوده است، ۱۱ لكن علماي يهود بعضي مبهات را بهانه قرار داده و علامات و بشارات روشنی که راجع به پیامبر بزرگ اسلام بود را مربوط به شخصی نامعلوم دانسته و این کتاب را متروک و در دسترس طالبین و حتى عوام يهود قرار نمى دهند. اما در اثر عنايت خداى متعال یکی از علمای بزرگ یهود ۱۲ پس از تأمل در آئین اسلام، مشرف به

۱۰. محضر الشهود في رد اليهود.

۱۱. ادیب المتمالک فراهانی در اشتعار خبود در مبورد ولادت پیامبر المرات المرات المرات المرات المرات المرتبع المرات المرتبع المر

بسودا بسعبتم خساتهی کشسمیر خبیر داد و آن کودک تافسته لب از شیر خبیر داد

ہسر ہمایک ہمرتا پمندر پمیر خمیر داد ممخدوم ممراثیل به مماعیر خمیر داد

۱۲. البته در بعضی از کتب شخصی دیگر را به نام ۱-حاج بابا قزوینی یزدی، که از

دین مقدس اسلام گردید، و بر اثر یک اتفاق کتابی از کتب بنی اسرائیل به نام (تبعید و میصواه) ۱۳ برای چاپ آماده می شد و از حسن تصادف نسخه ی صحیحی از کتاب نبوئت که به نظر علمای یهود آن زمان هم رسیده و بر صحت آن گواهی داده و مقدمه ای هم بر آن نوشته بودند، در آن موجود بود. این عنایت خدای متعال منجر به این گردید که سخنان الاهی آن کودک از پشت پردههای ضخیم مرضها و غرضها بیرون آید. ولی باز علمای یهود از نشر آن جلوگیری نموده و فعلا در کتابخانه ها و نزد علمای یهود به نام.

* * *

عدا علمای یهود بوده و به دین اسلام مشرف شده است را بیان می نمایند، وی صاحب کتاب محضر الشهود فی رد الیهود است، اما منبع ما کتاب داقامة الشهود فی رد الیهود» است که پیشینه ی کهن تری نسبت به کتاب محضر الشهود دارد. ۱۳. در منابع قدیمی ما نام کتاب تبعید و میصواه است، اما در محضر الشهود نام این کتاب تأکید و مصوه ذکر گردیده است. لازم به ذکر است آیة الله محمد صادقی صاحب کتاب بشارات عهدین مسلط به زبان عبری است، و صاحب کتاب اقامة الشهود نیز زبان عبری زبان مادری اش می باشد پذیرفتن رأی این دو نفر که هم مورد تأیید علمای اسلامند، مناسب تر است.

مخفى نمودن بشارات

البته این تنها برخوردی نیست که علمای یهود و سایر ادیان در مواجه با نشانه هائي از اسلام دركتب مقدس از خود نشان دادهاند. در تمامي كتب أسماني و بشارات انبياء الاهبي و حتى الهامات ناشی از پاک سرشتی و رفتاری، از پیامبر آخرالزمان و وقایع معاصر و بعدش یاد شده است. اما آنچه مهم است حرمت و قداست بی حد و حصر اسلام و پیامبرش در بشارات است که كامل كننده ساير اديان الاهي و بر هم زننده طاغوت و بزرگان متزور که در اثر ناملایمات روحی و روانی و کمبودهای شخصیتی و اجتماعي با تحريف الهامات رباني به نام قداست آسماني مُركب را به خون مردم ساده اندیش رنگین و مَرکب هوسهای خویش بر پیکر مشتاقان الاه می تازند، است. اما این نیرنگها در برابر اراده خداوند تاب مقاومت ندارند، و با وجود فعالیتهای بسیار بر علیه اسلام و پیامبر گرامیش ۱۴ آنچه بیش از گذشته خود را نمایان مى سازد، حقانيت ديس اسلام است. صراحت بشارت در

۱۴. جهت آشنائی بیشتر با برخی از خیانتهای یهود به پیامبر اسلام به کتاب اسرار شهادت پیامبر از آثار مؤلف مراجعه شود.

كتابهاي تورات، انجيل، زبور، حِبِي نبي، حَبَقُوق، سرود سليمان، كتاب اشعياء، صفيناه، و سخنان الهامي لَحْمان حَـطُوفُاه راه را بر بیراهه رفتن میبندد. هنگامی که به تاریخ مینگریم و در آن سیر مینمائیم به وضوح علت این همه تزویر و تحریف، از پنهان نگه داشتن نبونت هیلد و تفسیر به رأی مغرض، تحریف هدفمند تورات و انجیل و سایر کتب تا رد بعضی معجزات را در می بابیم. نوع رفتار کنیسه های یهود و کلیساهای مسیحیت نشان دهندهی تهی بودن از روح الاهی در این معجونی که از دو دین بزرگ آسمانی و دو شخصیت عظیم الاهبی ساختهاند، است. علمای این دو دین مقدس بیش از آنکه به فکر تکامل و سعادت هم کیشان خود باشند، دنبال به کوره راه بردن آنها و دور نمودن از حقیقت یهودیت و مسیحیت هستند. خود به حقیقت این دو دین پی برده و بسیاری کلمات و بشارات کتب آسمانی خویش را بنهان نموده و معجونی از تفکرات سیاه خود را به نام تورات و انجیل نثار مردم میکنند، و به جای تلاش برای کشف حقیقت و پیدا نمودن راه سعادت به دیگر ادیان می تازند و موسای یهودیان عیسای مسیحیان را نفی میکند و اینان به آنها حمله میکنند و

حتی بیشترین اهانتها را خود به پیامبران خویش می نماید. همانگونه که گفته شد در تمامی کتب آسمانی بشارات زیادی در خصوص اسلام و پیامبر و... وجود دارد که بیان حتی گوشهای از آنها در این اوراق مجمل نمی گنجد، ۱۵ لکن به دلیل اینکه محوریت بحث ما بر حول یهود می گردد، بخشی از بشارات کتب یهود در خصوص پیامبر را عرض نموده و سپس به شرح مختصر آیات خصوص بیامبر را عرض نموده و سپس به شرح مختصر آیات کتاب نبوئت می پردازیم.

برخی از بشارات کتب یهود

در تورات مثنی آیهی ۱ و ۲ در خصوص پیامبر اسلام ﷺ می فرماید:

«۱» وِزُنُت هَبَّراخَاهُ اَشِرْ بِرَخْ مُوشِهُ ايشْهَا اِلُوهيمُ اِتْ بِنى بِسرائيلْ لِفِنى مُوتُو وِ يُؤْمِرْ «۲» بِهواهُ مِسَينى باو زارَحْ مِسَعير لاموُ هُوفيعَ مِهَرْ فَارانُ وِ آتَاهُ مِرْبِئِتْ قُدِشْ مى مينُوا اِشْ داتْ لامو. (۱) و اين است بركتى كه بركت داد موسى مرد خدا به بنى

۱۵. به همین جهت مجموعهای شامل بشارات سایر ادیان در خصوص اسلام در حال تدوین است.

اسرائیل هنگام مردنش و گفت: (۲) خدا از سینا آمد، تجلی کرد از ساعیر، درخشان گردید از کوه فاران، و با هزاران هزار مقدسین ورود نمود، از دست راست او شریعت آتشین ظاهر گردید.

آمدن خدا از سینا بر حسب اتفاق علماء و مفسرین تورات نزول وحی الاهی بر حضرت موسی الله در طور سینا است. و روی این اصل تجلی خدا از ساعیر و درخشندگیش از فاران نیز تجلی و درخشندگی حق، بر پیمبرانی عظیمالقدر از این دو مکان بوده است و چون حضرت مسیح الله از کوه ساعیر و حضرت محمد الله از کوه فاران (حری) مبعوث گردیدند بدون تردید آیمی فوق بشارت از بعثت این دو پیمبر بزرگ الاهی است که پس از موسی الله از این دو مکان مبعوث گشتند. ۱۶ جمله اول اشاره به این است که هنگام نزول وحی الاهی در کوه فاران، هزاران فرشته همراه فرشتهی حامل وحی (جبرئیل) بوده و آیات مقدس کتاب

^{19.} برای اهل ذوق و ادب روشن است حادثهای که در آینده رخ خواهد داد برای آنکه وقوع آنرا قطعی و حتمی وانمود سازند، از آن حادثه به لفظ گذشته خببر می دهند، چنانکه در محاورات معمول و متداول است. و در بشارت فوق به منظور آنکه تجلی خدا را از ساعیر و فاران حتمی و مسلم وانمود سازد، از آن نیز مانند تجلی از سینا به لفظ گذشته تعبیر فرموده است.

الاهي را با تشريفاتي بي سابقه نازل كرده است. و جمله دوم اشاره به این دارد که شریعت پیمبر اسلام شریعت جهاد است. همچنین حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب الله در دعای سمات مى فرمايند: «وَ بِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَى طُور سَيْنَآءَ فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَ رَسُولُكَ مُوسَى بْنَ عِـمْزَانَ وَ بِـطَلْعَتِكَ فِـى سُـاعِيرَ وَ طُهُورِكَ فِي جَبَلِ فُارُانَ بِرَبَوْاتِ الْمُقَدَّسِينَ وَ جُنُودِالْمَلاٰئِكَةِ الصَّافِّينَ وَ خُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ» (پروردگارا! به مجد و بزرگیت که در طور سینا ظاهر نمودی و به آن با بندهی خود و رسولت موسی بن عمران سخن گفتی و بطلعت نورانیت که در ساعیر بر او آشکار نمودی و به ظهور (نور جمالت) که در کوه فاران تجلّی کردی با گروه کشیری از مقدسان، و سپاه منظم فرشتگان آسمان و خشوع کروبیان ثنا خوان.

کوه فاران بر حسب اتفاق مورخین عرب و عقیده ی گروهی از مفسرین تورات، در مکه معظم است که پیامبر اسلام از آنجا به رسالت مبعوث گردید. همچنین در قضیه ی حضرت اسماعیل و مادرش هاجر پس از هجرت، تورات بیابان پاران (فاران) را در سِفْر

تکوین^{۱۷} نقل میکند. در تکوین،^{۱۸} تورات به بشارتی دیگر تصریح دارد:

«۲۰» وُليشَمعيل شِمَعتيخا هيئُه برختى اوتُو و هيفرتى اوتو و هيربتى اتو بمئدمئد شنيم عاسار نسيئيم يولد ونتتيو لغوى غادُل

و ۲۰۱ ای ابراهیم دعای تو را در حق اسماعیل شنیدم اینک او را برکت داده بارور گردانیده به مقام ارجمند خواهم رسانید، به وسیلهی محمّد و دوازده امام از نسل وی او را امت بزرگی خواهم نمود.

آن چنان که در صفحات بعد توضیح خواهیم داد مقصود از آیهی فوق این است که بوسیلهی حضرت محمد کارات و دوازده امام که همگی از نسل اسماعیل می باشند، او را برکت داده به مقام ارجمند خواهیم رسانید، و شخصیت و عظمتش بوسیلهی ظهور این نور فروزان و دوازده اختر درخشان بیشتر و افزونتر خواهد

۱۷. فصل دوازدهم آیهی ۲۱.

A1. V1 _ 17.

شد. ۱۹ در تکوین ۲۰ می فرماید:

لُویاسر شیمط می یهوداوم حیوقق میبن و غیلا و عدکی یبوشیلوم ولو پیقهت عمیم^{۲۱}.

عصای سلطنت از یهودا و فرمان فرمائی از میان پاهایش نهضت نخواهد نمود، تا وقتی که شیلوه بیاید که به او امتها جمع خواهند شد.

صاحب رسالهی هادیه (از علمای مسیحی) آیهی فوق را این گونه ترجمه نموده است که: حاکم از یهودا زائل نمی شود وراسم از میان پاهای او، تا آمدن شیلوه که به او امتها جمع خواهند شد. چنانکه روشن است: آیهی فوق سلطنت و نبوت اسرائیل را که از نسل یهودا هستند بوسیلهی آمدن شیلوه نامی منقرض دانسته، که رسالت الاهی از دودمان اسرائیل به ایشان منتقل گردد، و تمامی ملل از آئین او پیروی کنند. و جای تردید نیست که مقصود از شیلوه حضرت موسی و عیسی نمی باشد، زیرا: اولاً این دو پیامبر

۱۹. بشارات مهدین، ص ۲۱۲.

^{.1. 27 - 1.}

۲۱. نقل از اصل کلدانی.

از دودمان اسرائیل و یهودا بودهاند و ثانیاً بر حسب ترجمهی صاحب رسالهی هادیه، مراد از حاکم حضرت موسی علی است که احكام الأهي را براي بني اسرائيل آورد. وراسم عيسي المله است که شریعت تورات را تکمیل و همان را در میان بنی اسرائیل مرسوم و معمول نمود و ثالثاً محور دعوت این دو پیامبر اسرائیلی دودمان اسرائیل بودهاند و مورد بشارات در آیهی فوق کسی است که دعوتش عمومی و جهانی و مورد توجه همگی طوایف بشریت واقع شود و با توجه به آنچه گذشت، تطبیق بشارات فوق بر این دو پیامبر اسرائیلی و یا بر پیمبر اسلام به خوبی روشن و مبرهن خواهد بود. تورات در برخی موارد نیز با بیان روشنتری بشارت ظهور پیمبر غیر اسرائیلی داده و به علامت و امتیازات وی نیز اشاره کرده است. از جمله در تثنیه ۲۲ پرده از چهرهی وعدهی خدا که به ابراهیم داده است برداشته و بشارت به ظهور پیامبری از نزدیکان برادران بنی اسرائیل داده و میفرماید:

نابي آقيم لاهم مقرب احيحم كموشه و ناتتي دباري بفيو و

دبر اليهم ات كال اشر اصونو^{۲۳}.

و خدا به من فرمود آنچه گفته نیک از برای ایشان پیمبری را مثل تو از میان نزدیکان برادران ایشان مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانشان خواهم گذارد تا هر آنچه که به او می فرمایم به ایشان برساند.

در آیه ی فوق بر خلاف آنچه برخی از علمای اسرائیلی پنداشته اند مورد بشارت پیمبر بنی اسرائیلی نیست تا آنکه یهودیان وی را با حضرت یوشع و مسیحیان با حضرت مسیح تطبیق کنند. زیرا جمله ی از میان نزدیکان برادران ایشان که مفاد (میقرب احیحم) است، با صریح لهجه بشارت از پیامبری می دهد که از نزدیکان برادران بنی اسرائیل است نه از خود بنی اسرائیل و نه از برادرانش. و نیز در آیه ی فوق تصریح نموده که: پیامبر مورد بشارت مانند موسی است، و طبق صریح آیه ی ۱۹۲۰ تورات مثنی تا انقراض جهان پیامبری مانند موسی از میان بنی اسرائیل بر نخواهد خواست چنان که می فرماید:

۲۳. نقل از اصل کلدانی.

۲۴. از قصل ۳۴.

ولو، قام نابی عود پیسرائیل کموشه اشر پداعو پهواه پانیم ال پانیم ۲۵. برنخیزد بعد از این پیمبری از میان بنی اسرائیل مانند موسی آن چنان پیامبری که تکلم میکند رو برو با خدا.

روی این اصل انتظار ظهور پیامبری از میان بنی اسرائیل مانند موسی بر خلاف صریح کلام وحی و خالی از شاهد است. مقصود از برادران در بشارت فوق عموزاده های بنی اسرائیلند که فرزندان عیص (برادر یعقوب) می باشند، چنانکه در تثنیه ۲۶ به این مطلب تصریح کرده و می فرماید:

و قوم را امر کرده و ایشان را بگو که شما بسرحد برادران خود بنی عیص...

بنابراین پیامبر مورد بشارت از بستگان فرزندان عیص میباشد که در آیهی فوق آنها را برادران بنی اسرائیل خوانده است. بر حسب آنچه در قاموس مقدس از آیات کتب مقدسه استفاده کرده، عیص داماد حضرت اسماعیل بوده و نسل وی از دختر اسماعیل

۲۵. کلمه ولو در لغت عبری از ادات نفی است که بر سر فعل مضارع آمده و آن را نفی مینماید، مثل آن که در حربی میگوئیم لا یقوم.

به وجود آمده است و روی این اصل فرزندان اسماعیل دائیهای فرزندان عیص می شوند. از این مقدمات به خوبی مستفاد می شود که پیمبر مورد بشارت از میان فرزندان و نسل اسماعیل که از بستگان برادران اسرائیلند مبعوث به رسالت می گردد. و چنانکه در سفر تکوین تورات ۲۷ و انجیل برنابا ۲۸ اشاره شده است وعدهای راکه پروردگار دربارهی اسماعیل به ابراهیم داده که نسل او را برکت دهد و از میان آن «بمئدمئد» و دوازده امام برانگیزد و همهی قبائل زمین را با این نسل مبارک برکت دهد، آیهی فوق نیز پیمبر اسلام را به عنوان پیامبری که از میان اولاد اسماعیل مبعوث گردد معرفی نموده است. ۲۹

این نوع بشارات در کتب تورات موسی " و کتب عهد عتیق ۳۱ و بعضی کتب عهد جدید وجود دارد، که متأسفانه بـر آنـها خـبار

۲۷. آیهی ۲۰، باب ۱۳.

۲۸. اَیدی ۱۹ نصل ۴۳ و آیدی ۸ نصل ۹۳.

۲۹. بشارات مهدین، ص ۲۱۶ تا ۲۱۹.

٣٠. سفر تكوين، خروج، لاويان، اعداد، تثنيه..

۳۱. کتاب یوشع بن نون، ایوب، زبور داود و کتابهای سلیمان: امثال، واصفا، سرود و کتاب اشعیا، ارمیاه، حزقیل، دانیال، هوشیع، حبقوق، ناحوم، صفنیاه، حکی، نبوثت، اول و دوم شموئیل، ملوک، تورایخ ایام.

فرض ورزی نشسته است. بیان همه ی آنها و یا حتی گزیده ای از آنها نیاز به اوراقی بیش از این و بیانی زیباتر از این کلام دارد، که در این مجموعه مجالی برای بیان آنها نیست. اما هر عقل سلیمی و هر انسان فرهیخته ای اگر سالیانی از عمر خویش را بدون غرض به سیر در تاریخ حقیقی بپردازد، به یقین آنچه که در پایان برای او می ماند حقانیت دین اسلام است.

	-		

شرح أيات كتاب نبوئت هيلد آيه اول

آتیا امتا مزع زع ۳۲ بریاتا عابدا هدمتا ۳۳ بیدبن امتا پس از این بیاید امت ـ و گروهی که جهان را متزلزل سازند و بدست پسر کنیزک ـ خرابیها ـ و خاموشی ها پدید آید پس از این بیایدامت:

به گواهی آیات بعد منظور از «امت»، امت اسلامند که در پرتو تعلیمات عالیه اسلام جهان بشریت را دگرگون ساخت. ۳۴ یکی از موارد برجسته ی اسلام نگرش آن به «امت» است. در آیه ی فوق

٣٢. محضر الشهود: مَزْعَزُغُ.

٣٣. محضر الشهود: هَدُمْدُاتًا.

٣٢. بشارات مهدين.

مى توانست به جاى كلمهى امت، از كلمات شبيه به آن استفاده کند، اما واژهی امت در طلیعهی گفتار، مفهومی ویژه دارد. «امّت» از ریشهی «ام» به معنای آهنگ -قصد -عزیمت کردن است. اسلام بر خلاف آنچه رایج است، پیوند اساسی انسانها را نه در خون می بیند و نه خاک، نژاد، سرزمین و نه اشتراک در شکل و نوع زندگی و... بلکه پیوند اساسی را اینچنین بیان میدارد: گروهی از افراد انسانی که یک راه را برای رفتن انتخاب کردهاند، حرکت به سمت تکامل، پیشرفت، و هدف والائی که در انتظار آنهاست. بسیاری از مبانی اسلامی به این نکته اشاره دارد، از حج گرفته، تا نماز جماعات و جمعه و زیارات و روزه و دعاهای دسته جمعی و تشیع جنازه و نماز اعیاد مقدس و... واژهی «امت» مطرح شده در اسلام نشان دهنده یک حرکت جمعی متشکل از افرادی که شاید از لحاظ ظاهری و گفتاری و مناسباتی و ... با هم در تضاد باشند، ولی همگی به دنبال یک هدف و در یک مسیر حرکت میکنند. به زبانی دیگر می توان گفت، واژهی «امت» یکی از برتری ها اسلام است.

*** وگروهی که جهان را متزلزل سازند و بدست پسر کنیزک:**

پیامبر اسلام حضرت محمد آگرشت از نوادگان حضرت اسماعیل، اسماعیل فرزند حضرت ابراهیم است. مادر حضرت اسماعیل، هاجر کنیز ساره بوده، به همین دلیل به پیامبر پسر کنیزک گفته است. ۳۵ و شاید علت اصلی آن با توجه به ابتدای آیه که «جهان را...» جهت اینکه از انحراف افکار حوزه ی زمانی، در هنگام بیان جلوگیری کند، با صورتی متفاوت بیان می نماید. تزلزل جهان به جست پسر کنیزکی امری عجیب است.

* خرابيها:

ظهور پیامبر اسلام منجر به خرابی ها و تغییرات زیادی در تمامی ابعاد گردید. از سازه های انسانی گرفته، تا تغییر و دگرگونی در عمق تفکرات. از جمله خرابی هائی که بدست پیامبر اتفاق افتاد می توان به این موارد اشاره نمود: ۱. خرابی قلعه ی خیبر و بعضی اماکن و شهرها که در اثر سرپیچی و شکستن پیمان و بر هم زدن امنیت و ایجاد فتنه و آشوب به امر آن حضرت رخ داد. ۲. منهدم

۳۵. بشارات عهدین.

ساختن بنیان کجروی و گمراهی و واژگون کردن کاخهای ظلم و بر همم زدن قسوانین و حادات و رسوم جاهلیت و خراب کردن بتخانه ها و آتشکده ها ۳. شکافتن چهار کنگره از طاق کسری در روز ولادت آن حضرت و....

* وخاموشيها:

این فراز به جهت موقعیت مکانی، کامل کننده ی فرازهای قبل است و بیانگر عمق تغییرات است. از جمله: خاموش شدن آتشکده بزرگ فارس که پس از ده قرن فروزندگی در هنگام تولد آن حضرت خاموش گردید و خاموشی نائره ی جنگهای خونین و برادر کشیهای پی در پی و شرارههای شهوت و کثافات حیوانی در شئون زندگی بشر جاهل.

أیه دوم بعالما و نشا^{۳۶} وحردین کرشا جبارین حاشا^{۳۷} و هلمین

^{34.} محضر الشهود: دَنْشًا.

٣٧. محضر الشهود: حَالْشَا.

نشا ۳۸ در جهان ـ فراموشی اندازد، متحرک کند ۲۹، بترساند، از جای بکند ـ دورکند، براند، بترساند و منهدم سازد و بشکند چون آن حضرت مبعوث شد خاطرات سؤ و اندیشههای خلط و قوانین و سنن منحوس گذشته را به بوتهی فراموشی سپرد. رکود فکری و عقلانی مادی و معنوی را از اجتماع بشرکنار زد و بشریت را به سمت کمال مطلوب و مطلوب کامل حرکت داد. و کسانی را که مانع ظهور و انتشار تعالیم حقهی اسلامی شدند و به کجروی و انحراف و فساد و آشوبگری ادامه دادند را از مجازات تلخ و سخت در دنیا و آخرت ترساند و اگر موعظه در آنها تأثیری نداشت ریشه کن می نمود و خوف و هیبتش در دلهای مشرکان جا گرفته و کاخهای بیدادگری را واژگون و بتها را شکسته و ستمگران را پایمال ساخت. ۲۰

* در جهان:

بیانگر وسعت حوزهی عملکرد پیامبر و اهمیت آن است.

^{34.} محضر الشهود: بَيْشًا.

۳۹. برای کلمات فوق تا لفظ «کرشا» معانی گوناگوی از مفسرین یهود نقل شده که به ترتیب نگاشته شده است.

۴۰. بشارات مهدین.

* متحرككند:

اگر این جمله را معنای این فراز قرار دهیم: تمامی معانی دیگر که در بعد آمده را شامل می شود. پیامبر اسلام از یک مردم جاهل و گمراه و بی فرهنگ و وحشی، انسانهای والائی ساخت که با گذشت قرنها هنوز فداکاریها و خدمات آنها به جهان بشریت در اذهان باقی مانده است. سایر موارد در انتهای آیه اشاره به جنگها و غزوات و مبارزات پیامبر و شکستن بتها و تربیت رزم آوران و دلاوران و مردان دانش دارد.

أيه سوم

لپشیرت ^{۴۱} ابابا و میتما میبا لایهو ^{۴۲} ارکا پیصمح ^{۴۳} ملکا از برای شکسته شدن آن در که به روی واردین بسته شده به رسیدن آن مکان که محل آمد و شد خلایق نبوده و به واسطهی آمدن یادشاه آبادان میگردد

٤١. محضر الشهود: لَشْبِيرَتْ.

٢٢. محضر الشهود: دَمِسَتَمامي بَاءُ لاَ يهؤلِهُ.

٤٣. محضر الشهود: دِيْصَمَحْ.

طبق روایت صاحب کتاب بشارات عهدین درب شکسته که به روی واردین بسته شده، درب خانهی خدا است که در اثر تسلط بت پرستان مدت مدیدی ویران گشته بود و پنج سال قبل از بعثت پیامبر آرام آرام آباد شدنش آغاز و در اثر ظهور اسلام تبدیل به عبادتگاه و قبلهی مسلمین جهان گردید.

در شرح دیگری اشاره به قضیهی بستن دربهای منازل صحابه که منتهی به مسجد النبی می شد و تنها بازگشتن درب منزل حضرت علی الله دارد که باعث مخالفت و حسادت بسیاری از منافقین گردید، دارد.

پرواضح است که قبل از ساخت مسجد، آن محل هیچ منزلت و قداستی نداشته، لکن پس از ساخت آن توسط پیامبر، به صنوان عظیم ترین پایگاه اسلام در زمان خودش مطرح و مرکز اصلی تصمیم گیری سران اسلام واقع شد.

آیه چهارم

مُحَمَّدُ کایا اعا بایا د یطمع هویا و یهی کلیلیا محمّد ﷺ بزرگ مقتدر ـ درخت برازنده ـ خواهش کرده شده و مورد غبطه و آرزومندی ـ فرونشاننده ـ نابوده کننده آنچه بوده ـ اوست جمله و کُل ـ وی تاج است ـ باری است بر دوش

*** درخت برازنده:**

این صراحت، جای هرگونه غرضورزی را میبندد. بحق درخت برازنده و شجرهی طیبه حضرت محمد المشای است. در همین رابطه روایات بسیاری به چشم میخورد.

قال رسول الشَّهُ اللهُ اللهُ خلق الانبياء من الشجار شدتى و خُلِقْتُ انا وَ عَلِى من شجرةٍ واحدة فانا اصلها و على فرعها و الحسن و الحسين ثمارُها و شيعتنا اوراقها فمَنْ تعلق بغصنٍ من اغصانها نجى و مَن زاغ عنها، هَوى و لو أنَ عبداً عَبداللهِ بين الصفا و المروة الف عام ثم الف عام ثم الف عام حتى يصير كالشن البالى ثم لم يُدْرِكُ محبّتنا اكبّه الله على مِنْخَرِه فى النار. **

رسول خدا ﷺ فرمودند: خداوند انبياء را از درختان گوناگون

۴۴. منهاج البراهة، ج ۶، ص ۱۹۷ _بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۳۰ و تریب به این مضمون، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۶۲، حدیث ۸۲

خلق كرد در حاليكه من و على از درختي واحد خلق شده ايم كه من همانند ریشهی آن درختم و علی همانند تنه آن است و حسن و حسین میوههای آن هستند و شیعیان ما برگهای آن درختند، پس هر کس خود را به شاخهای از شاخههای آن وابسته کند، نجات مییابد و هرکس از آن دوری گزیند سقوط خواهدکرد و عملش بیهوده خواهد بود اگر چه بندهای باشدکه سه هزار سال بین صفا و مروه عبادت خداكرده باشد تا اينكه همانند مَشْك خشكيده شود ولی محبت ما را نداشته باشد، خداوند او را با پیشانی به سبوی جهنم پرتاب خواهد کرد. ^{۴۶.۴۵} پیامبر شجرهی طیبهی توحید و خداشناسی است شاخههای هدایتش سر به آسمان کشیده و بر جهانیان سایهی رحمت و عنایت گسترده است **﴿وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلاَّ** رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ ﴾ با توجه به شخصيت و خصوصيات و جايگاه پیامبر، ایشان مورد غبطه بزرگان قبل و بعد خود بوده و هست. بسیاری از پیامبران الاهی در این خصوص مطالبی بیان داشتهاند.

۴۵. در متن صربی حدیث در ج ۲۳ بحارالانوار، ص ۲۳ به جای عبارت وشیعتنا
اوراقها، عبارت واشیاعنا اوراقنا، دارد که از نظر مفهوم تفاوتی با هم ندارند.
 ۴۶. اهل بیت در نهجالبلافه، بیانات حجةالاسلام والمسلمین حسین گنجی،
تدوین علی اصغر لشکری، انتشارات هنارس.

حمضرت سملیمان بسن داود در کستاب آسمانی خود (سرود سلیمان)^{۴۷} پیامبر را مورد توصیف قرار میدهد و میفرماید:

حِکُّـو مَـمْتَقَيم وِ کُـولُو مَـحَمَّديم زِه دُودی وِزِه رِعـي بِـنُتْ يرُشَالامْ

دهانش شیرین است و تمامش محمّد است، این محبوب من است و این یار من است ای دختران اورشلیم.

مقصود از شیرین دهان، حلاوت زبان و فصاحت و بلاغت بیان شیوای آن حضرت است که بزرگترین سخنوران بلیغ عرب را به زانو آورده بود. از جملهی فوق مستفاد می شود که حضرت سلیمان از توصیف محبوب خود عاجز بوده و با این تعبیر اشارهی اجمالی به تمامی اوصاف جمیلهی وی کرده است «تماش محمد است، این محبوب من است و این یار من است ای دختران اورشلیم» نه شما که به زیبائی و دلربائی ظاهری زودگذر خود می بالید، شما نه بلکه آن شخص محبوب واقعی من است که از هر جهت پسندیده و محمد به تمام جهان است.

ایشان فرو نشانندهی شرارهای شهوت و شیطنت است و

۴۷. فصل ۵، آیهی ۱۰ تا ۱۵ ـ توصیف فوق آیهی ۱۶ موافق اصل عبری.

بدعتهای امم و سنن جاهلیت را ریشه کن نمود. آن حضرت در عین وحدت دارای مقام کلیت روحانی و جامع فضائل عموم رجال آسمانی و کتاب دعوتش شامل دعوات عموم کتب آسمانی و پیامبران الاهی است.

تاج افتخار خاتمیت بر انبیاء مخصوص اوست و بارگرانی است بر دوش معاندین حق که با مشاهده آیات صدق وی به منظور حفظ مقام و ریاست تکذیبش کردند.

آيه پنجم

نهرا کد مطا ولات^{۴۸} قص متیعبد^{۴۹} قطاطاه و هواه ^۵ حسف طنیادا ملطا

روشن کننده چون برسد ـ و بنشاند در زمین ـ و به نشان قیامت برساند ـ و جنگ کننده باشد ـ و باشد از سفال و ازگل بر آمده یاشد

٢٨. محضر الشهود: ولَّنُتْ.

٢٩. محضر الشهود: مَطَّا مِتْعَبِدُ.

٥٠. محضر الشهود: قطاطا و هوا حسف.

* روشن کننده:

ظهور و تولد پیامبر همانگونه که در قبل عرض شد باعث روشنی و تغییرات اساسی در جهان گردید. راه حقیقت و کمال را به صورت کامل در اختیار بشر نهاد و راه سعادت را روشن نمود. هر چند عملکرد بسیاری از به ظاهر متفکرین و صاحبان علم هـزاران راه و بیراهه در برابر بشریت نهادند، اما راه اسلام هموارترین و بهترین و مطمئنترین راه برای رسیدن به سعادت است. آنچه دیگران در خصوص سعادت و رسیدن به رفاه برای بشریت بیان داشتهاند، چیزی جز راهنمائی به سیاهی و تباهی بشریت بیان داشتهاند، چیزی جز راهنمائی به سیاهی و تباهی نست.

رهبری امت

نوع رهبری پیامبر و اساساً نوع رهبری مطرح شده در اسلام حقیقتاً راهنما به سمت روشنائی و سعادت است. همانطور که گفته شد واژه «امت» مطرح شده در اسلام نشان دهنده یک حرکت جمعی متشکل از افرادی که شاید با هم متفاوت باشند، ولی همگی به دنبال یک هدف و در یک مسیر حرکت میکنند،

است. ۵۱ هر عقل سلیم و هر منطقی میداند و میفهمد که این حرکت به محرک، و به یک راهبر و یک راهنما نیاز دارد که مسلط به مسیر و شناخت کاملی از امت داشته و بتواند این کاروان را هدایت کند. ضرورت وجوب امامت هم اینجا خود را نمایان میسازد. هنگامی که در عمق واژهی «امت» مینگریم، به وضوح نقش امامت و ضرورت آن را درک میکنیم. از لحاظ ریشهی لغوی آنها از یک منشأ هستند. وجود چنین شخصی در یک چارچــوب خاص با صفاتی معین و لازم و ملزوم، ضروری است. شاید این مسئله مطرح شود که بسیاری جوامع چنینند و عدهای با ظواهـر متفاوت ولی با یک هدف به سمتی در حرکت هستند و رهبری هم دارند، لكن موفق نبودهاند. بله اين درست است اما جامعه چه تفکری داشته و به دنبال چه چیزی و چه بـوده است؟ و رهـبر و راهبر آنها چه خصوصیاتی داشته و چگونه او رهبر شده است، آیا انتخاب شده یا انتصاب، یا بصورت وراثتی آنگونه که در بـعضی كشورها رايج است، به عنوان رهبر تعيين شده است؟ اينها مسائل مهمی است. تنها حرکت جمعی یک ملت مهم نیست، بلکه بعضی

۵۱. طواف، نمونه بارز آن.

عناصر حتی مهمتر از حرکت جمعی است. مهمتر از همهی اینها، رهبریت یک جامعه دو گونه وظیفه بر عهده دارد، ادارهی جامعه و اصلاح جامعه. در بسیاری دولتهای امروزی رهبریت تنها به حول یک محور می چرخد و آن هم اداره جامعه است، نه اصلاح جامعه. اداره بدون اصلاح جامعه برای ایجاد رفاه و خوشوقتی و نه خوشبختی و... از بدترین انواع حکومتداریهاست، حتی اگر تمام لوازم رفاه یک جامعه فراهم و اعضای جامعه در آزادی مطلق زندگی نمایند. این یعنی نادیده گرفتن انسان و پنداشتن انسان به یک حیوان. انسان زمانی انسان است که در مسیر حرکت به سمت تكامل حركت كند. تكامل چيست؟ مرز تكامل كجاست، چارچوب تکامل چیست؟ تکامل خداست، رسیدن به خدا، رسیدن به حد اعلای انسانیت. رفاه و آسایش و اقتصاد صحیح و آزادی و خوشوقتی هدف نیست، بلکه وسیلهای است برای رسیدن به تکامل یا به عبارتی خدا و در کلمات شیعی «سعادت». تكامل حد و مرز ندارد، خدا منتهى نيست، پايان ندارد، مانند دریائی نیست که رود خروشان به آن وصل و در آن محو گردد. خدا لامنتهی است، پایان ندارد، یعنی تکامل هم پایانی ندارد، باید

حرکت کرد و در این مسیر هنگامی که به تکامل نزدیک میگردد، نسیمهائی از خداوند به او میرسد که بسیاری از نیازهای بشری را رفع مینماید.

انسان خلق نشده که چند روزی در این دنیا به دنبال پول و شهوت باشد و بخاطر آن خونریزی کند و بعد هم سرش را زمین بگذارد و بمیرد و تمام!

انسان برای حرکت خلق شده به سمت تکامل و سعادت. اما آیا این انسان می تواند به تنهائی بدون راهنما به سمت سعادت حرکت کند؟ بایست راهنما داشته باشد آن هم راهنمائی که اداره جامعه یک بخش از وظیفه ی اوست و بخش اصلی و اعظم او، اصلاح جامعه است، مانند پیامبران و امامان که مصلح هستند، اصلاح می کنند، حکومت می کنند و وظیفه ی پیامبری خویش را هم انجام می دهند، امام علی لم لم انجام می دهند، امام علی لم لم انجام می دهند، امام علی تر مسند اداره ی ممالک اسلامی نشست و حدود الاهی را جاری کرد و به مسائل اقتصادی و سیاسی و نظامی و اجتماعی و فرهنگی نیز رسیدگی می نمود و مردم را هدایت و جامعه سود جامعه سود جامعه سود

تشیع وظیفهی امامت را به دو بخش تقسیم نموده است یکی اداره جامعه و یکی هم اصلاح.

اصلاح جامعه از نظر تأثیر گذاری و اهمیت، مهمتر از اداره است، چراکه یک مصلح می تواند یک مدیر باشد ولی یک مدیر الزاماً نمی تواند یک مصلح باشد.

توضيح ادامه آيهي:

و چون خورشید فروزان پیامبر طلوع نمود، جهان بشریت را روشن کرد و آئین مبین اسلام را در سراسر جهان گسترانیده، تخم سعادت و هدایت ابدی را در اراضی قلوب کاشت و دینش خاتم ادیان، و تاانقراض جهان بر بشریت وجود دارد و آن حضرت مردی سلحشور و دلیر است که یافیان و گردن کشان را در صورت تجاوز و طغیان به زانو درآورد. گروهی از مفسرین قسمت آخر را اینگونه تفسیر کردهاند که آن حضرت «در بیابان خشک» ۵۲ و از میان اعراب برخیزد.

۵۲. بشارات مهدین، ص ۸۵.

آیه ششم

سکرا^{۵۵} پوها ونشجا^{۵۴} و اریل کسها نفق^{۵۵} پها محکم فرماید سخن گفتن را ـ و مدح کردن و تسپیح نمودن را ـ و برود ـ و بپرد ـ و بیرون اَرد جان امیران را

محکم فرماید سخن گفتن را:

اشاره به فصاحت و بلاغت آن حضرت دارد که خود یکی از معجزات وی به شمار می رود، و بزرگترین سخنوران عرب در برابر منطق بی نظیرش به عجز و قصور معترف و گفته اش را فوق کلام بشری می دانستند. همانگونه که در قبل آمد در کتاب سرود سلیمان ۵۶ در مورد حلاوت آن حضرت می فرماید:

حکو ممتقیم و کلولو محمدیم دهانش شیرین و تمامش محمد است.

٥٣. محضر الشهود: سكر.

۵۴. محضر الشهود: تشجا.

٥٥. محضر الشهود: تغشه پها.

۵۶. باب ۵، آیهی ۱۶.

* و مدح کردن و تسبیح نمودن را:

اشاره به راههای گوناگون ستایش و پرستش پروردگار است.

معراج ييامبر

* و برود_و بپرد:

اشاره به معراج پیامبر دارد در هنگام صعود به عالم بالا و احاطهی کلی بر جهان وجود که فرشتگان و ملائک مقرب و قدسیان آسمان در حضور مقدسش همچون بندگان در نزد سلطان بودند. نقل بشارات عهدین به همین موضوع اشاره دارد. داستان معراج پیامبر به حد متواتر در کتابها و منابع تاریخی بیان شده و در قرون اخیر بحثهای علمی به میان آمده که در نهایت منجر به اثبات امکان وجود چنین رخدادی گردیده است. ابتدا بحثی مختصر در خصوص معراج عرض می کنیم و سپس بعضی دلائل علمی در خصوص سرعت سیر و... را بیان می کنیم.

خلاصه چگونگی معراج

چندی قبل از هجرت، پیامبر به دستور جبرئیل مبنی بر سفری

دور و دراز به همراه هم به نقاط مختلف گیتی با مرکب فضاییمائی به نام براق سفر با شکوه خود را از خانهی خواهرش امٌ هانی آغاز و با همان مرکب به سوی بیت المقدس روانه شد و در مدت بسیار کوتاهی در آن نقطه بائین آمد و از نقاط مختلف مسجد، و بیت اللحم كه زادگاه حضرت مسيح است و منازل انبياء و آثار و جايگاه آنها دیدن به عمل آورد؛ و در برخی از منازل دو رکعت نماز گزارد. سپس قسمت دوم از برنامهی خود را آغاز فرمود. از همان نقطه به سوى آسمانها پرواز نمود؛ ستارگان و نظام جهان بالا را مشاهده كرد و با ارواح بيامبران و فرشتگان آسماني سخن گفت، و از مراكز رحمت و عذاب بازدیدی به عمل آورد. سپس به سیر خود ادامه داد و به سدرةالمنتهی رسید، و بعد برنامه وی پایان یافت، و مأمور شد از همان راهمی که پرواز نموده، بازگشت نماید. و در بیت المقدس فرود آمد، و راه مکه را در پیش گرفت. و در بین راه با کاروان بازرگانی قریش برخورد، که شتری را گم کرده بودند و به دنبال آن میگشتند، از آبی که در میان ظرف آنها بود قدری خورد. و بعد از مرکب خود در خانهی ام هانی پیش از طلوع فجر پائین آمد، و برای اولین بار راز خود را به او گفت و در روز همان شب،

در مجامع و محافل قریش پرده از راز خود برداشت. داستان معراج او که در فکر قریش امر ممتنع و محالی بود در تمام مراکز دهن به دهن گشت و سران قریش را بیش از همه عصبانی نمود. قریش به عادت دیرینهی خود به تکذیب برخاست و گفتند: در مكه كساني هستند كه بيت المقدس را ديدهاند؛ اگر راست مي گوئي كيفيت ساختمان آنجا را تشريح كن. پيامبر نه تنها خصوصیات ساختمان بیت المقدس را تشریح کرد بلکه حوادثی راكه در ميان مكه و بيت المقدس رخ داده بود بازگو نمود و گفت: در میان راه به کاروان فلان قبیله برخورد نمودم و شتری از آنهاگم شده بود و در میان اثاثیه آنها ظرفی پر از آب بود و من از آن نوشیدم و سپس آن را پوشانیدم. و در نقطهای به گروهی برخوردم که شتری از آنها رمیده و دست آن شکسته بود. قریش گفتند: از کاروان قریش خبر ده. گفت: آنها را در تنعیم دیدم که شتر خاکستری رنگی در پیشاپیش آنها حرکت میکرد و کجاوهای روی آن گذارده بودند و اکنون وارد شهر مکه می شوند. قریش از این خبرهای قطعی سخت عصبانی شدند و گفتند: اکنون صدق و کذب گفتار او برای ما معلوم می شود. ولی چیزی نگذشت طلائم

کاروان وارد شهر شد و ابوسفیان و مسافران جزئیات گزارشهای آن حضرت را تصدیق نمودند. ۵۷

اثبات علمي سرعت سير پيامبر در معراج

حال عدهای در گذشته و اکنون به این حرکت اشکالاتی گرفته و تصور کردهاند که قوانین طبیعی و علمی امروز با معراج سازگار نیست. اگر ما بخواهیم پای قوانین طبیعی را به این جا بکشیم، اشکالات زیادی به میان می آید. در پاسخ این گروه می گوئیم که منظور از توضیح این نوامیس طبیعی چیست؟ آیا می خواهند بفرمایند که سیر در عوالم بالا امکان ندارد و ممتنع ذاتی و یک امر محال است؟ که پاسخهای علمی در خصوص سرعت سیر را به صورت اختصار عرض می نمائیم.

سیارههای نترونی

یکی از همین موارد وجود سیاره های نترونی است که واکنش ناشی از کنش این سیاره ها به قدری سریع است که در همان زمان

٥٧. فروغ ابديت، حضرت أيةلة جعفر سبحاني، ص ٣٧٩.

با سرعتی چندین برابر سرعت نور در میلیاردها سال نوری در سمت دیگر کهکشان تغییرات ناشی از این کنش صورت میگیرد. با توجه به وجود چنین سرعتی، سرعت سیر پیامبر هم قابل درک و اثبات است. ۵۸

D.F.AMBULANT

همچنین وجود D.F.AMBULANT که بشر تاکنون نتوانسته میزان سرعت آن را بسنجد، نشانگر وجود سرعتهایی بالاتر از حد تصور بشر در طبیعت است. این صخرههای سنگی که در بطنش گازی قرار دارد و درون چاههای بعضی سیارات وجود داشته که به صورت مداوم در حال گردش دورانی و گاهی در جهات دیگر است و طبق گفتهی مدیر تحقیقات این پروژه سرعت آن به حدی بالاست که زمان تحت تأثیر آن قرار میگیرد. ^{۵۹} امروزه خصوصاً بعد از پرتاب قمر مصنوعی در سال ۱۹۵۷ به نام اسپوتنیک روشن شد که می توان نیروی جاذبه را به وسیلهی

^{.58} heavenward periodical 505 issue 11 october 2001.

^{,59} heavenward periodical 505 issue 11 october 2001.

موشک خنثی کرد. چنانکه با فرستادن سفینه های فضائی حامل انسان واضح است که آنچه را بشر برای خود مانع از سیر در عالم بالا و فوق جو می شمرد؛ به وسیله پنجه علم و دانش قابل رفع است. بشر با این ابزار علمی و صنعتی خود می تواند مشکلات اشعه کیهانی و نبودن هوای قابل استنشاق و... را حل نماید.

مدار ۵۰ درجه

تحقیقات نشان داده است که هر شئ و یا جسمی در مدار ۵۰ درجه ی فضای بین جو زمین و مراتب فوقانی میان بُرد پنجم قرار گیرد، از لحاظ ظاهری شاید تغییری نکند، ولی تأثیرات فضلی پیرامونی بر آن به حدی است که اگر در معرض بعضی کنشها قرار گیرد، می تواند با سرعتی غیر قابل سنجش به سمت ماورا و که کشانها حرکت نماید.

ضمناً هرگاه برنامه سیر تاریخی پیامبر، در پرتو عنایات الاهی انجام گرفته باشد، به طور مسلم تمام این نوامیس در برابر اراده قاهر وی تسلیماند، و هر آنی در قبضهی قدرت او میباشند.

^{.60} heavenward periodical 505 issue 11 october 2001.

بنابراین چه اشکالی دارد خدایی که به زمین جاذبه داده است و به اجرام آسمانی اشعه کیهانی بخشیده، بنده ی برگزیده خود را به وسیله قدرت نامتناهی خود، بدون اسباب ظاهری از مرکز جاذبه خارج نماید و از خطرات اشعه مصون و محفوظ نگه دارد و از تجزیه ی عناصر جلوگیری نماید؟ خدائی که این همه اکسیژن آفریده است، نمی تواند در طبقاتی که هوا وجود ندارد برای رسول برگزیده خود هوای لازم را تهیه کند؟ حساب معجزه از حساب علل طبیعی و توانائی بشر جدا است، ما نباید توانائی خدا را مانند توانائی خود محدود بدانیم. اگر ما بدون اسباب، قادر به کاری نباشیم، نباید بگوئیم که آفریدگار توانای علی الاطلاق بدون اسباب طبیعی نیز قدرت ندارد. ۱۹

*** و بیرون آورد جان امیران را:**

اشاره به مقابله با سران مشرکان و نبرد با آنها را دارد که در بعضی جنگها بسیاری از سران و امیران مشرکان به درک واصل شدند.

٩٠. فروغ ابديت، حضرت آيةالله جعفر سبحاني، ص ٣٩٣.

أيه هفتم

عَفَا عَزَا وِنافِل عزیزا وِباطِلا کَزَا وِدی شِنْطَت شِیمْیا و کِزا ۶۲ نابود کند حُزّارا ـ و از عزت بیندازد عزیزان را ـ و باطل فرماید هرگونه بدعت را و سلطنت کند اَسمان را

نابودكند عُزارا:

اشاره به شکستن بت عُزا دارد، البته بیان واژهی بعدا» و در آیهی بعد «عزت» شاید به معنای از عزت انداختن بت عزا است.

* و از عزت بیندازد عزیزان را:

مانند گذشته اشاره به مقابله پیامبر با سران کفر و الحاد دارد، سران مشرکان در اثر مال اندوزی و نگاه تک بعدی به مادیات و خرافات و افسانه پرستی و غرق شدن در مرداب شهوات و کثافات جایگاهها و مراتبی دروغین برای خویش بافتند که در اثر ظهور پیامبر اسلام همه به زباله دان تاریخ فرستاده شدند.

٤٢. محضر الشهود: شلطت وكزا.

* و باطل فرماید هرگونه بدعت را:

کشیدن خط بطلان بر خرافههای انسان جاهل، و نابودی بدعتهای که در ادیان الاهی وارد شده بود، مورد نظر این آیه است.

* و سلطنت کند آسمان را:

این فراز هم اشاره دارد به معراج پیامبر که در قبل مورد بحث قرارگرفت.

أيه هشتم

فَخرادی ۶۳ هِوا وُمِکدِل بِن کَد وا اِت قَوْلا قاو هوا کُلُو ۶۴ بواه از میان اعراب برخیزد و فرزندان بت پرستان را با شوکت فرماید ـ قانون بالای قانون و خواندنش موجب شرح صدر و فرح است

از میان اعراب برخیزد:

این فراز بسیار روشن و واضح است، و بشارت ظهور پیامبر از میان اعراب را به صراحت داده است.

^{97.} محضر الشهود: فخراري.

^{94.} محضر الشهود: كلبو.

* و فرزندان بت پرستان را با شوکت فرماید:

اشاره به این دارد کسانی که از کودکی در مهد شرک و کفر تربیت یافته بودند با اجابت دعوت و تربیت در پرتو تعلیمات آن یگانه مرد، دارای شوکت و منزلتی بس عظیم شدند. نمونهی شاخص آن سلمان فارسی است که آن حضرت دربارهاش فرموده: السلمان منا اهل البیت و به آنانکه سلمان فارسیش میخواندند می فرمود: لاتقولوا سلمان الفارسی بل قولوا سلمان المحمدی سلمان را فارسی نگوئید بلکه سلمان محمدیش خوانید.

* قانون بالاي قانون:

یکی از امتیازات قرآن این است که آیات مقدس آن در طول بیست و سه سال نبوت پیامبر یکی پس از دیگری بر حسب احتیاجات بر قلب پاکش نازل گردید. هر جا که مردم نیاز به راهنمائی مهم و ضروری داشتند، قرآن بر حسب نیاز نازل می شد و گویا این بیست و سه سال تبلور زمانهای بعدی آن تا ابدیت است، چراکه آیات این کتاب الاهی هیچگاه کهنه نشده و امروزه نیز تمامی دستورات و احکام آن نسبت به نیاز امروزی قابل اجرا می باشد.

علت نزول قرآن در طول زمان

پیامبر مسؤلیتهای بزرگتری بر دوش دارد و یک چنین فردی در مسیر انجام وظایف رسالت، با مشکلات و دشواریهای فرسایندهای روبرو میگردد، و چنین مشکلاتی هر چه هم روح و روان بزرگ باشد، موجب کاهش نشاط و طراوت میگردد. در این موقع، تجدید ارتباط با جهان ماوراء طبیعت و تکرار نزول فرشته از جانب خداوند، به روح انسان نیرو و توان بخشیده، روان او را پر از نشاط و معنویت میسازد، و عنایت الاهی و محبتهای بی پایان او با تکرار نزول وحی، تجدید میگردد. قرآن مجید به این نکتهی رواني چنين اشاره مي فرمايد: ﴿كذلك لنثبت به فؤادك؛ ٥٥ تدريجا فرستادیم که دل ترا نیرو بخشیم و آن را با تجدید عهد استوار سازیم. جمله یاد شده را می توان ناظر به جهت دیگری نیز دانست و آن اینکه مصالح آموزشی ایجاب میکردکه قرآن به صورت تدریجی نازل گردد، و بدینسان نیز بر مردم القاء شود، زیرا پیامبر معلم امت و طبیب روحی مردم است که با نسخههای آسمانی برای تعلیم و راهنمایی مردم و درمان دردهای اجتماعی برگزیده شده و به

۶۵. سورهی مبارکهی فرقان.

اجرای دستورهای الاهی به مداوا و درمان آنهاگمارده شده است. استوارترین شیوه آموزشی این است که جنبه های فکری با جنبه های عملی، آمیخته گردد و آنچه راکه معلم، تدریس میکند بلافاصله آن را در خارج پیاده کند، و به نظریات خود جنبهی تحقیقی دهد. و از این که افکار و نظریات او رنگ تئوری و فرضیه به خود بگیرد، سخت بگریزد. هرگاه استاد رشتهی پزشکی، فقط کلیات و اصول پزشکی را به دانشجویان کلاس خود القاء کند، جندان نتیجه نمیگیرد؛ ولی اگر همان اصول را در برابر دیدگان دانشجویان در مورد یک بیمار پیاده کند، و گفتار خود را با عمل توأم سازد، نتیجه بیشتری به دست می آورد. هرگاه آیات الاهی یک جا نازل میگردید در این موقع قرآن فاقد چنین مزیتی می شد که به آن اشاره نمودیم. بیان آیاتی که مردم در خود احساس نیاز به فراگیری آنها نکنند، تأثیر چشمگیری در قلوب نمیگذاشت، ولی اگر بیک وحی، آیات قرآن را در زمینهی نیاز و احتیاج مردم به فرا گرفتن چنین اصول و فروعی نازل کند، به طور مسلم در قلوب مردم حسن اثر بیشتری داشته و رسوخ زیادتری در روان مردم پیدا می کند. همچنین درست است که آیات قرآن به طور تدریجی پیرو

یک سلسله مقتضیات نازل شده است ولی این نزول تدریجی مانع از ارتباط و پیوستگی مطالب آن نیست و خداوند آن چنان به آیات آن انسجام و پیوستگی خاصی بخشیده که همت بلند انسان را بر آموزش و ضبط آیات آن قادر و توانا میسازد، چنانکه خود قرآن می فرماید: «و رتلناه ترتیلا و به آیات قرآن نظم و ترتیب خاصی بخشیده ایم.» و بخشیده ایم.»

* و خواندنش موجب شرح صدر و فرح است:

اشاره به این است که خواندن آیات قرآن موجب فرح و شرح صدر و برآمدن حاجات و احترامش سبب عزت و مکنت است. در این باره احادیثی را از ائمه ی معصومین این قل می نمائیم: امام علی اید می فرمایند: ظاهر قرآن خوش آیند و باطن آن عمیق است. ۶۸ همچنین آن حضرت می فرمایند: کتاب خدا که در میان شیماست، گوینده ای است که زبانش از گفتن حقایق خسته

^{99.} سوروی میارکهی فرقان.

^{97.} فروغ ابديت، چاپ هفدهم، آيةالله جعفر سبحاني، ص ٣٠٥.

^{90.} فرر الحكم، ح 90.9.

نمی شود، و خانه ای است که ارکانش تا ابد از تندباد حوادث در امان است، و عزیزی است که پیروان و یارانش هرگز شکست نمی خورند. ⁶⁹ پیامبر گرامی اسلام گراش می فرمایند: بر شما باد به کتاب خدا، زیرا قرآن شفای سودمند و داروی پر برکت است و حافظ کسی است که به آن تمسک جوید و نجات بخش کسی است که از آن پیروی کند. ' امیرالمؤمنین گر می فرمایند: برترین ذکر قرآن است، که سینه ها به وسیله ی آن باز شوند و درون ها روشن و تابناک گردند. ' ا

آيه نهم

صیهراء شاها وسِیاه^{۷۲} وِعَرِقَ بِها وِها شاطا وِشامِعا^{۷۳} درنگ نمود ماه و از میان دو پاره شد و اطاعت نمود آن حضرت را و به هم پیوست

۶۹. عرفان اسلامی، ج ۵، ص ۲۴۸.

٧٠. جامع الاخبارو الاثار، ج ١، ص ٤٣٢.

٧١. فررالحكم، ص ٩٥.

٧٢. محضر الشهود: رسيباه.

٧٣. محضر الشهود: وها شاطاً و شامعاً و عرق بها.

معجزه شق القمر:

این فراز اشاره به واقعهی شق القمر دارد که به دستور پیامبر و به اذن خدای متعال ماه به دو نیم شده و مجدداً به حالت اول بازگشت.

اکنون مطالبی در خصوص اثرات ناشی از این معجزه که چندی قبل توسط یکی از دانشمندان فضائی ایالات متحده آمریکا مطرح شد و ذهن دانشمندان علوم فضائی را به خویش مشغول کرد را بیان مینمائیم.

تحقيقات سازمان ناسا در خصوص معجزه شق القمر:

اولین کسی که به وجود اثرات باقیمانده از شکافی در مدار مرکزی ماه اشاره نمود، یک متخصص علوم فضائی به نام poost مرکزی ماه اشاره نمود، یک متخصص علوم فضائی به نام morgan در سال ۱۹۶۸ بود، پس از تحقیقات بسیاری در این خصوص هیچ دلیل قابل اعتمادی برای این نوار سیاه که در بعضی مطوح ماه دیده می شد، پیدا ننمود. حدود دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۷۰ پس از بررسی های بیشتر متوجه شد سطوحی که در مسیر اتصال این نوار قرار داشته ولی پیدا نبوده در اثر بعضی

تغییرات در زیر لایهی سطحی پنهان شده است. در همان سال جهت مسافرت به ایالت کالیفرنیا رفت و در کتابخانهی یکی از اساتیدش، کتابی در خصوص پیامبر اسلام حضرت محمد المشافقات به دست آورد که به زبان لاتین از روی نسخهای دیگر به صورت خطی استنساخ شده بود. استاد وی با توجه به شغل شاگردش قسمتی از کتاب را به مورگان نشان داد که قضیهی معجزهی شق القمر را به صورت اختصار بیان داشته بود.

مورگان پس از تحقیقاتی در این زمینه در سال ۱۹۷۵ رسماً در کمیسیون کارشناسی سازمان فضائی ایالات متحده اعلام نمود که این نوار سیاه چیزی نیست جز تغییری که قرنها پیش در کرهی ماه بوسیلهی معجزه پیامبر اسلام اتفاق افتاده است. طرح این موضوع برای سران ناسا به سختی قابل درک بود.

اما مورگان تحقیقات خویش را در این باره ادامه داد، ولی متأسفانه حدود دو هفته بعد، مورگان به همراه تمامی اعضاء خانوادهاش به صورتی مشکوک در اثر یک آتش سوزی عمدی در منزلشان کشته شدند. ۷۴

٧٤. نشريهي الكترونيك IS.U.S مقالهي علمي دكتر جك نولن.

آیه دهم۷۵

قاما کودا لاریا کریدا وومیت ندا دییصمح جدیرا ستاره ها و یا برج ها به طویله کشیده شوند ـ و پِرُوید کسی که سزاوار هر گونه کمال است و استوار کند بنیان را

ستارهها و یا برجها به طویله کشیده شوند:

در زمان عرب جاهل قبل از پیامبر، مردم بتهائی به شکل ستاره و یا برجهای فلکی از چوب میساختند که در هنگام ضرورت آنها را برای روشن کردن تنور به طویله برده و آتش می زدند. ۲۶

* و برویدکسی که سزاوار هرگونه کمال است...:

این جمله اشاره به وجود مقدس و مبارک حضرت امیرالمؤمین حضرت علی بن ابیطالب طائل است که شایسته ی هر گونه کمال و

۷۵. کتاب محضر الشهود فی رد الیهود متأسفانه بخشی از کتاب وحی کودک را ذکر نکرده و باقی آیات را تنها ترجمه نموده است. از این آیه تا اشاره بعدی هیچ کدام در کتاب فوق طبق نسخ جدید نقل نشده است.

۷۶. بشارات عهدين.

سزاوار امامت و خلافت بلافصل پیامبر گشته و بنیان کاخ رفیع به اسلام را مستحکم نمود. ۷۷ و اشاره به فضائل امیرالمؤمنین و اهمیت حضور ایشان در محکم نمودن پایه های رسالت پیامبر دارد.

آیه یازدهم

رام لبیشطاغا لبوشیا کتلکاه مخبد شغاغاه و ومخیث شغاغاه

برتر از همه ـ و تاج بر سر اوست و بسیار سفید است ـ و سنگین کند گناهان ایشان را و بر شقاوت خود بمانند

*** برتر از همه:**

با توجه به آیه ی قبل یا منظور پیامبر است و یا امیرالمؤمنین علی طلالاً. که در آیه ی دوم و تاج بر سر اوست و بسیار سفید است در مورد هر دو بزرگوار صادق است و همچنین در آیه ی سوم و سنگین کند گناهان ایشان را و بر شقاوت خود بمانند پیامبر را به جرم دعوت به حق پیشانش را شکستند و بدنش مجروح و بر فرق

٧٧. بشارات مهدين.

مبارکش خاک و خاشاک میریختند. به حدی که فرمودند: مااوذی نبی مثل ما اوذیت این شقاوت بی حدگناهان ایشان را سنگین و مستحق عذاب دائمشان نمود. ۲۸ در مورد امیرالمؤمنین الله هم چنین است. در روایات نقل است که غاصبین خلافت جزء کسانی هستند که در آخرت عذابشان دائم است.

آیه دولزدهم

شبویاه شابا بههیا شعطاطابا لارعا پتیا وورهاباه وعبدا تشویاه ویرحم عل بوخرا حبیبا

وی اسیر کند در ساعت خوبی در سرزمین مرغوب ـ و خدا او را رحم کند به جهت وعدهای که درباره ی اسماعیل به ابراهیم فرموده بود

*** وی اسیرکند در ساعت خوبی در سرزمین مرغوب:**

اشاره به جنگ بدر است که سپاه اسلام ۳۱۳ نفر بودند و بر سپاه مشرکان و کفار که چند برابر بودند غالب شده و هفتاد نفر از

۷۸. بشارات مهدین.

سران قریش را به اسارت گرفتند. طبق نقل صاحب بشارات عهدین «سرزمین مرخوب» نام همان محلی است که جنگ بدر در آنجا اتفاق افتاد. ^{۷۹} در تمامی آیات کتاب وحی کودک زمانی که به یک مسئله ای که حتی شاید مهم هم نباشد اشاره می کند، دلیل بر متفاوت بودن آن با سایر موارد با همین نام و نشان است، مثلاً پیامبر به اسرای جنگ بدر دستور داد هر اسیری که به ده مسلمان سواد خواندن و نوشتن یاد دهد، آزاد است، و این در سیرهی هیچ امیری تاکنون دیده نشده است که از تمامی زمینه ها بهترین بهره برداری را به نفع بشریت انجام دهد.

* و خدا او را رحم کند...

اشاره به وعده ای که خدا درباره ی اسماعیل به ابراهیم فرموده همان وصده رحمت و شوکت و کشرت نسل نور قدسی محمدی المشاقی و دوازده ستاره فرزوان از آن خورشید اعظم آسمان وحی است. ۸۰ آن چنانکه در مقدمه عرضه شد در این

۷۹. بشارات مهدین.

۸۰. بشارات مهدین.

خصوص روایات و قضایائی متفاوتی موجود است که بعضی از آنها را نقل می نمائیم: در کتاب «حافظ و پیر مغان» ^{۸۱} حدیثی از حضرت رضا ﷺ روایت کرده است که فرمودند: چون خداوند به ابراهیم علی امر نمود، گوسفند را به جای اسماعیل ذبح کند، ابراهیم ﷺ تمناکردکه ای کاش گوسفند نیامده بود و فرزندش را به دست خود ذبح مي نمود تا اينكه دلش شكسته شد و به درجه رفیع صبر و رضا فائز گردید، سپس به ابراهیم ﷺ وحی شدکه نزد تو چه کسی محبوب ترین خلق است؟ عرض کرد: حبیب تو محمّد المُنْفِقَةِ. وحي رسيد: كه آيا او احب است به نزد تو يا نفست؟ عرض كرد: بلكه او احب است به سوى من از نفسم. فرمود: آيـا فرزند او را بیشتر دوست می داری یا فرزند خود را؟ عرض کرد: فرزند او را. فرمود: آیا مذبوح شدن فرزند او به تیغ ستم دشمنان بیشتر دلت را می سوزاند یا ذبح فرزندت به دست خودت در راه اطاعت من؟ عرض كرد: ذبح فرزند او به دست دشمنان بيشتر دلم را میسوزاند. فرمود: ای ابراهیم جمعی که گمان میکنند خود را

۸۱. حافظ و پیر مغان، اثر جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج سید عباس موسوی مطلق، چاپ انتشارات هنارس، ص ۱۳۱.

از امّت خاتم الانبیاء، هر آینه خواهند کشت فرزندش حسین بی به ظلم و عدوان مانند گوسفند و به این عمل مستحق ضضب و سخط من می شوند. پس ابراهیم جزع نمود و دلش شکست و گریست؛ وحی شد که ای ابراهیم فدا نمودم جزع تو را بر اسماعیل به جزعت بر حسین بی و و اجب نمودم از برای تو درجات رفیعه اهل مصایب را و این است: ﴿ وَ فَدَیْنَاهُ بِدِبْحٍ عَظِیمٍ ﴾ ۸۲ ذبیحه بزرگی را فدای او کردیم. ۸۳

آیه سیزدهم

تیتی شاعاه وتیت قوف تشوعاه وییر به نبواه شاطط ویملا کال ازعاه * تِشکب تفارا و ترِب کبُورا وِیَشزو اسیرا ^{۸۴} بیاد ساعتی که فرج قوی گردد و نبوت بسیار شود و مانند سیل جهان را پر کند * زیاد شود شرافت و بسیار گردد جبروت و گشوده شوند اسیران و بندیان

۸۲. سورهی مبارکهی صافات، آیهی شریفهی ۱۰۷.

۸۳. خسصائص الحسينيه مرحوم آية آلله تسيخ جعفر شوشترى، ص ۲۱۹، بحارلانوار، ج ۴۴، ص ۲۲، عيون الاخبار، ج ۱، ص ۲۰۹. ۸۴ محضر الشهود: تشك تفارا و ترب كبورا و يشترو أسيرا.

بشارات ظهور حضرت امام زمان 機:

به صراحت اشاره به ظهور منجي عالم بشريت حضرت بقيةالله الاعظم ﷺ دارد. وحي فوق بشارت از يک صصر درخشان و سعادت جهاني مي دهد كه عالم انسانيت حيات نويني يافته و نتيجه و هدف انبياء الاهي و رجال برجستهي وحي يكجا و به تمام معنى أشكار گردد، و فرج و نصرت الاهي بـا نهايت قـدرت و جبروت هویدا می شود، که گوئی تمامی پیمبران الاهی بـه یکجا گرد آمده و آنچنان ایجاد انفجار و انقلاب روحانی و معنوی نمودهاند که آثار دعوت و تربیت آنان همچون سیل جهان را پر کرده و سراسر کرهی مسکون بشریت به زیر پرچم حق و عدالت گرد آید، و شر و فساد و بیدادگری و انحراف و اختلاف عقائد و ادیان به کلی از اجتماع بزرگ جهانی رخت بر بسته، و جای خود را به خیر و صلاح و عدل و استقامت و عقیده و آئین یگانه دهـد. آیهی بعدی نیز اشاره به زمان ظهور امام زمان ﷺ دارد که در زمان ظهور أن حضرت مظهر قدرت و جبروت الاهي شرافت و جبروت خداشناسان و اهل ایمان زیاد و غلبهی حق بر باطل آشکار می گردد. و بندگان از شهوت و شیطنت رها شده و جهان روی آرامش به خود خواهد دید، انشاءالله. در خصوص عصر ظهور و ِ دوران پس از ظـــهور حـــضرت مسهدی ﷺ روایاتی را نــقل مینمائیم:۸۵

امام صادق الله فرمود: «وقتی قائم قیام کند، هیچ سرزمینی نمی ماند مگر اینکه ندای شهادت به یگانگی خدا و نبوّت بیامبر شاشی در آن به گوش برسد.» ۸۶

امام کاظم یللا در تفسیر آیه ی ۱۷ سوره ی حدید فرمود: «این که خداوند زمین را بعد از مرگش زنده می کند. مراد این نیست که زمین را با باران زنده می کند، بلکه خداوند مردانی را بر می انگیزد که زمین را با احیای عدالت و اقامه ی حدود الاهی زنده سازند. ه ۸۷ حضرت امام علی بلا در ذکر دست آوردهای قیام حضرت مهدی بلا می فرمایند: «آن زمان که مردم قرآن را طبق هواهای خویش توجیه کرده باشند او رأی و فکر آنان را به سمت قرآن سوق می دهد و آن را در خدمت حقایق قرآنی قرار می دهد... پس

٨٥. نقل از كتاب فريادرس دادخواهان حضرت مهدى طَيَّلًا، اثر حبجة الاسلام والمسلمين محمّد لك على أبادى، انتشارات هنارس.

۸۶. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

٨٧ مكيال المكارم، ج ١، ص ٨١.

به شما نشان خواهد داد که چگونه کتاب و سنّت فراموش شده و مفاهیم زندهی آن را احیاء خواهد کرد.» ۸۸

رسول خدا گُرهود: «مهدی از فرزندان من است، او را فیبتی است، هنگامیکه ظهور کند، زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است.» ۸۹

امام باقر علیه فرمود: «آنچه پیامبر شایشی انجام داد او نیز انجام می دهد، بنیانهای پیشین را درهم می شکند، چنان که رسول الله شایشی امر جاهلیت را در هم شکست، و او اسلام را دوباره از سر می گیرد. " علم بیست و هفت حرف است، همهی معارفی که پیامبران المی آورده اند، فقط دو حرف است. وقتی که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر علم را ابراز کند و آن را در بین مردم گسترش دهد. " "

امام باقر ﷺ فرمود: «وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست بر سر بندگان نهد و عقول آنان را جمع کند و سامان بخشد و فکر و

٨٨. تهج البلاغه، خطبه ١٣٤، ملاحم.

٨٩. ينابيع المودة، ص ٢٣٨.

٩٠. مكيال المكارم، ج ١، ص ٥٧.

٩١. بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٣٣٤.

اندیشهی آنان راکامل گرداند. ۹۲ م

از صحف ادریس الله نقل شده که: «در زمان خروج قائم آل محمد الله به نمین امنیت بخشیده می شود، ضرر رسانیدن به هم و ترس از یکدیگر از بین می رود.» ۹۳

امیرالمؤمنین الله فرمود: «در آن زمان زنی بین صراق تا شام پسیاده میرود؛ در حالی که هیچ کس و هیچ چیز او را نمی ترساند.» ۹۳ امیرالمؤمنین الله فرمود: «اگر قائم ما قیام کند... کینه و ستیزه و جدل از دلهای بندگان برود.» ۹۵

امام صادق ﷺ در بیان حال مردم پس از ظهور حضرت مهدی ﷺ می فرمایند: «مردم در زمین به نافرمانی خدا نمی پرازند.» ۹۶

* * *

٩٢. منتخب الأثر، ص ٤٨٣، به نقل از كافي.

٩٣. بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٣٨٢.

٩٤. مكيال المكارم، ج ١، ص ١٠١.

٩٥. ممان.

^{95.} منتخب الأثر، ص 497.

أيه چهاردهم

یهیه بن امتا لبیش ایمتا و علیل بحمتا لمودها لبر ححوتبا می پوشد پسر کنیزک لباس کهندی سیاست را و بیرون آید با خشم برای کم گردانیدن پسرخواهرخودکه اولادعیص می باشند پلاس کهندی سیاست:

طبق نقل بشارات عهدین این آیه اشاره دارد به پیامبر که با در دست داشتن همه گونه وسائل رفاه مانند ضعیفترین افراد، لباس و مسکن و غذا تهیه میکرد و درب خانهاش به روی همه باز بود. همچنین «عیص» برادر یعقوب و داماد حضرت اسماعیل است. طایفهی قیدار که پیامبر از نسل آنهاست فرزندان حضرت اسماعیل هستند که اسماعیل هستند که مهزاده طایفهی قیدار میباشند. بسیاری از وابستگان پیامبر در زمان خود ایشان و بسیاری از عاملان حوادثی چون عاشورا از زمان خود ایشان و بسیاری از عاملان حوادثی چون عاشورا از طایفهی ادومی هستند که در آیات مربوط به امام حسین المنه توضیح داده خواهد شد. بر این اساس آن حضرت پسر عموی طایفهی ادومی است.

آيه پانزدهم

کریخ بارعا لفنو ارعا و کبیه مساه و مکبیه بعلما شیسه بپیچد در زمین ـ از برای خالی کردن زمین ـ و پیش او است انبری که بر می چیند بتان روی زمین را برچیده شدن بتها:

اشاره دارد به خورشید فروزان حضرت پیامبر که سراسرجهان را روشن نمود، به جهت آنکه مردم را از ظلمات جهل و بی ایمانی رهانیده و زمین را از شر و فساد خالی کند. و ادامه آیه اشاره دارد به حضرت امیرالمؤمنین ﷺ که به امر پیامبر پای بر کتف مبارکش نهاد و بتهائی راکه مشرکین به خانهی کعبه آویخته بودند فرو ریخت. روایتی دیگری هم میگوید که با توجه به موقعیت مکانی آیه اشاره دارد به زمان ظهور امام زمان ﷺ که ندای حضرت در سراسر زمین می پیچد و زمین را از شر و فساد خالی می کند و قسمت «پیش او است انبری که بر می چیند بتان روی زمین را» مربوط به ید مبارک حضرت دانسته که بوسیله شمشیر و سلاح در زمان نیاز و بوسیله علم و منطق در موارد مختلف بتهای ساختگی بشریت در تمامی انواع را نابود میسازد.

أيه شانزدهم

شیتا شیقا ومشتیتا عافا ومعقا عیقا مشتنفا^{۹۷} شش نفر آرزومند به سختی افتد سختی پس از سختی و جسبیدگان به زحمت افتند

كربلا وعاشورا

در این آیات نام هیچ یک از شهدای کربلا حتی خود حضرت سیدالشهداء الله ذکر نشده و تنها به علامات و خصوصیات آنها اشاره شده است. شش نفر آرزومند مذکور که به شکنجه و سختی شدید آنان اشاره شده مورد دو احتمال است: ۱. شش نفر از فرزندان حضرت حسین بن علی الله: علی اکبر، محمّد، عثمان، عون، و دو طفل شیرخوار آن حضرت، علی اصغر و عبدالله الله: ۲. حضرت عباس الله، حضرت علی اکبر، قاسم بن الحسن، عبدالله بن الحسن، عبدالله بن الحسن و دو طفل مسلم بن عقیل الله البته مورد سومی هم وجود دارد لکن بدلیل اینکه در بعضی مقاتل نامی از آنها برده شده بود نقل نکردیم.

٩٧. محضر الشهود: شينا شيقا و مشتيتا عاقا و معقا عيقا و دبيقا مستنقا.

چسبیدگان به زحمت افتند:

طبق نقل بشارات عهدین اشاره به دو نفر از طایفه ی انصار دارد که در شب عاشورا از سپاه عمر سعد جدا شده و به اصحاب امام پیوستند و در روز عاشورا به شهادت رسیدند.

آیه هفدهم

رعسا مترسا و ناصا و حلسا دیسا^{۹۸} به سختی و عذاب افتد و کنده شوند و خُرد گردند

مصائب كربلا:

این جمله اشاره دارد به زمانی که پیکر مقدس حضرت اباعبدالله الحسین الملل و برادران و فرزندان و سایر شهداه زیر پای سربازان دشمن و اسبان تکه تکه گشتند. خصوصاً پیکر پاک خود آن حضرت عمر بن سعد در میان سربازان خود فریاد زد: «چه کسی حاضر است با اسب بر سینه و کمر حسین بتازد؟» ده نفر خود را آماده کردند که عبارت بودند از:

٩٨. محضر الشهود: رحصا مترسا و ناصا و حلسا ديسا.

اسحاق بن حوبه، اخنس بن مرثد، حکیم بن طفیل سنبسی، عمر بن صبیح صیداوی، رجاء بن منقذ عبدی، سالم بن خثیمه جعفی، و احظ بن ناصم، صالح بن وهب جعفی، هانی بن شبث حضرمی و اسید بن مالک ـ لعنةالله علیهم ـ این ده نفر بر بدن امام حسین الملا تاختند به حدی که استخوانهای سینه و کمر آن حضرت څرد گردید. ۹۹

أيه هجدهم

قفیصا متعرفا عل یدسا دسفاد ^{۱۰۱} سافاه کصورفاه بت روفاه نتیباه لحویاه ۱۰۱

سر از قفا با خنجر بریده شود ـ دو دست قطع گردد ـ در کنار شط فرات واقع شود ـ تغییراتی در زمین و اَسمان پدید اَید

۹۹. لهوف / ۱۳۴، مثیرالأحزان / ۷۸، ارشاد: ۲ / ۱۱۸، نفس المهموم / ۳۷۷، بحارلانوار: ۴۵ / ۵۹ متاقب: ۴ / ۱۱۱، مقتل خوارزمی: ۲ / ۳۸، تاریخ طبری: ۵ / ۴۵۴، مقتل مقرّم ۳۸۹ به نقل از کامل ابن اثیر و مروج الذهب و بدایه کثیر و تاریخ الخمیس و اعلام الوری و روضة الواعظین و...

١٠٠. محضر الشهود: دسفاه.

١٠١. محضر الشهود: كصرفا بتر وفانيتسا يحوما.

سراز قفا با خنجر بریده شود:

در روایات مقاتل آمده است هنگامی که شمر بر سینه ی حضرت نشسته بود، حضرت فرمودند: می دانستم کشنده ی من تو خواهی بود، زیرا که تو پیسی، و در خواب دیدم که سگانی بر من حمله کردند و مرا می دریدند و در میان آنها سگ ابلق پیسی بود که بیشتر بر من حمله می کرد و جدّم رسول خدا گرای نیز چنین خبر داده بود. شمر خشمگین شد و گفت: مرا به سگ تشبیه می کنی ؟ سپس گفت: ای فرزند ابوتراب، تو ادّعا می کنی که پدرت ساقی حوض کوثر است، صبر کن تا تو را آب دهد، حضرت فرمودند: آیا مرا می کشی و می دانی که من کیستم ؟ آن لعین گفت: تو را می کشم و پروا نمی کنم. پس به دوازده ضربت سر مبارك آن حضرت را از پشت گردن جدا کرد. ۱۰۲

* دو دست قطع کردد:

این آیه اشاره دارد به جدا شدن دستان مبارک ساقی دشت کربلا حضرت اباالفضل العباس ﷺ که چگونگی شهادت آن

١٠٢. جلاءالعيون / ٣١٠ ـ بحارالاتوار: ٣٥ / ٥٥.

بزرگوار به روایات معتبر بصورت مختصر چنین است: جناب ابوالفضل العباس ﷺ وقتى برادران خود را به ميدان فرستاد و بــه شهادت رسیدند و امام علی دیگر یار و یاوری نداشت به خدمت برادر آمد و اجازه میدان خواست، امام ﷺ فرمود: تـو پـرچـمدار مني. حضرت اباالفضل ﷺ عرض كرد: برادر سينهام تنگ شده و از زندگی سیرگشته ام. امام فرمود: حال که عزم رفتن به میدان کارزار داری قدری آب برای این اطفال که از شدت عطش فریادشان بلند است بیاور. سقای کربلا مشک آب بدوش افکند و سوار بر اسب شد و در مقابل لشكر دشمن ايستاد و پس از نصیحت مردم، به ابن سعد خطاب کرد و فرمود: پسر سعد! این حسين پسر دختر رسولخدا است كه شما همه ياران و اهل بيت او را کشتید، زنان و فرزندانش تشنهاند آنها را آب بدهید که دلهای آنان از تشنگی میسوزد و مع ذلک میگوید: مرا رها سازید تا به روم یا هند بروم و عراق و حجاز را به شما واگذارم. همه سپاه در سكوت فرو رفتند، شمر ملعون صدا زد: پسر ابوتراب اگر همه دنيا را آب بگیرد و در اختیار ما باشد یک قطره بشما نمی دهیم مگر آنکه بیعت یزید را بپذیرید. قمر بنی هاشم از آنان مأیوس شد و به

نزد برادر برگشت و طغیان و سسرکشی دهسمن را بـه عـرض امـام رسانيد ولى در همين حال صداى العطش العطش، الماء الماء كودكان بلند شد، ابي الفضل نگاهي به چهره كودكان افكند مشاهده کرد لبها از کثرت تشنگی خشک و چهرهها تغییر کرده آب بدنشان تمام شده و مشرف به مرگند لذا بدون تأمل شتابان بسوی شریعه برگشت و چون برابر نگهبانان شریعه فرات رسید به آنان حمله کرد و آنها را از شریعه دور گردانید و وارد شریعه فرات شد و مشک را پر از آب کرد. از شریعه خارج شد، نگهبانان و موکلین شريعه اطرافش راگرفتند و قمر بني هاشم در حاليكه به آنان حمله مىكرد دشمن از برابر ابى الفضل العباس على ميكريخت و تاب تحمل ضرب شصت او را نداشت، زید بن ورقاء حنفی که در پشت درخت کمین کرده بود دست راست قمر بنی هاشم را قطع نمود و آن جناب پرچم و شمشير را بدست چپ گرفت. آنگاه حكيم بن طفیل سنبسی از کمین بر آمد و دست چپ عباس ﷺ را قطع کرد قمر بنی هاشم پرچم را به سینه چسبانید. در بعضی مقاتل آمده که ابى الفضل الله بعد از آنكه دستهایش قطع شد مشک را به دندان گرفت و به مرکب فشار می آورد که سریع حرکت کند. در این موقع

مردی از قبیله تمیم با عمود آهنین به فرق مبارکش نواخت که از اسب به زمین افتاد. با صدای بلند فریاد زد: برادر مرا دریاب. امام ﷺ خود را به نعش برادر رسانید و او را دست بریده و چهره مجروح و شکسته و چشمان تیر خورده یافت. امام با کمر خمیده کنار نعش برادر ایستاد و چون قدرت ایستادن نداشت در کنارش بر زمین نشست. فرمود: الان کرم شکست و چارهام از هم

در کنار شط فرات واقع شود:

این آیه بسیار واضح و نمایان است و محل وقوع حادثهی عاشورا را به صراحت بیان می دارد.

* تغییراتی در زمین و آسمان پدید آید:

در رابطه به این مورد روایات زیادی وارد شده و اقوال مختلفی است، از جمله اینکه دو خورشید در آسمان دیده شد، گرد و غباری بسیار شدید برخاست و صحنهی کربلا را دگرگون کرد

۱۰۳. حسين نفس مطمئنه.

آسمان به رنگ دیگری بود و... هنگام شهادت امام حسین ﷺ گرد و غبار شدید و سیاه و ظلمانی آسمان کربلا را فراگرفت، که روز روشن همچون شب تاریک شد، و آن چنان بادی سرخ وزیدن گرفت که از هیچ کسی حین و اثری دیده نمی شد. مردم گمان کردند که عذاب بر آنان فرود آمد. ساعتی چنین بود و سپس هوا روشن شد ۱۰۴. ابن قولویه از حلبی روایت کرده که امام صادق ﷺ فرمودند: چون امام حسين ﷺ كشته شدكسي در ميان لشكر كوفه با تندی فریاد زد، و به آنهاگفت: چگونه فریاد نزنم با آنکه میبینم رسول خدا ﷺ ایستاده نظری به زمین می افکند و نظری به گروه شما، مى ترسم بر اهل زمين نفرين كند، و هلاك شوند. لشكر كوفه بعضی به بعضی گفتند: این دیوانه است و جمعی از ایشان که توّابين باشند ـ از اين صدا متنبّه شدند و گفتند: بخدا ما با خود چه كرديم! به خاطر پسر سميّه، سيد جوانان اهل بهشت راكشتيم. راوی عرض کرد: قربانت شوم، آن فریاد کننده که بود؟ فرمودند: او نبود مگر جبرئیل، و اگراجازه داشت نعرهای میزدکه روحهای آن کافران از بدنهایشان بیرون می آمد و بـه دوزخ مـی رفتند، و لکـن

۱۰۴. لهوف / ۱۲۷.

خداوند به آنها مهلت داد که گناه ایشان زیاد شود و برای آنها عذاب دردناك خواهد بود... ۱۰۵ درباره ی گریستن فرشتگان و پیغمبران و اوصیاء آنان و اجنّه، و عزاداری و مرثیه آنان بر حسین مظلوم الله و تأثیر شهادت آن بزرگوار بر موجودات در روز شهادت آنجناب، و گریستن آسمان و زمین و سایر موجودات، و پدید آمدن انقلاب و دگرگونی در عالم، و وزیدن بادهای مخالف، و تغییر هوا، و کسوف و خسوف، و باریدن خون از آسمان، و تاریک شدن هوا به طوری که ستاره ها در روز پدیدار شدند، و نیز دیده شدن خون تازه زیر هر سنگی که برداشته می شد، و پدید آمدن سرخی در آسمان و ...احادیث بسیار زیادی است، که حتی علماء مسرخی در آسمان و ...احادیث بسیار زیادی است، که حتی علماء عامه هم در کتب خود آوردهاند. ۱۰۶ در حدیثی از حضرت

۱۰۵. کامل الزیارات / ۳۳۶ ب ۱۰۸ ح ۱۴.

^{109.} بحارالانوار: 40 / ۲۰۰، و نفس المهموم / ۴۷۶ تا ۴۹۶ ب ۴، و کامل الزیارات باب ۲۶ تا ۴۱، و احقاق الحقّ: ۱۱ / ۴۵۸ تا ۴۹، و منتهی الآمال: ۱ / ۴۵۱، مقتل مقرّم / ۳۶۵ تا ۳۷۹. و از منابع اهل تسنّن: طبقات ابن سعد جزء امام حسین الله الله ۱۹۷۰ حلیة الأولیاء: ۲ / ۲۷۶، مجمع الزوائد: ۹ / ۱۹۷، الصّواحق المحرقة / ۱۹۴، تذکرة الخواص / ۲۴۵، ذخائر العقبی / ۱۴۵، مقتل خوارزمی: ۲ / ۸۹ تا ۹۱، الاتحاف بحبّ الأشراف / ۷۷، نظم دُرُو السّمطین /

صادق ﷺ آمده است: چهل روز، بعد از واقعهی کربلا، آفتاب به ِ رنگ سرخ، طلوع و غروب میکرد.۱۰۷

آیه نوزدهم

صِبوعا نِصبيعا لسرفا و نفرعا و ميودعا بديها بشوعا تشتعشيعا ۱۰۸

خیمه های رنگینی که جای نشستن فرزند زادگانست سوخته شود و آشکار شوند خویشان معروف که به ناز پرورده شده بودند و شایع گردد و با لب تشنه کشته شود

خیمههای سوختهی رنگین:

مقصود از فرزند زادگان نوادههای پیامبر اکرم ﷺ و حضرت

۲۲۰ تاریخ الخلفاء
 ۲۲۰ کفایة الطّالب / ۴۴۴، المعجم الکبیر: ۳ / ۱۱۳ و ۱۱۹، تاریخ الخلفاء
 ۲۰۷، سیر اصلام النّبلاء: ۳ / ۲۱۴، البدابة و النّهایة: ۸ / ۱۷۱، کامل ابن اثیر: ۴ / ۹۰، الذّریّة الطّاهرة دولایی / ۱۳۵ ح ۱۷۰، ینابیع المودّة / ۳۲۰ تا ۳۳۲ ب ۶۰ و ص ۳۵۶ ب ۶۲.

۱۰۷ ـ بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۰۵، ص ۱۷۵، روایت ۱۳، و ص ۱۸۲، روایت ۲۵، و ج ۴۵، ص ۲۱۵، روایت ۳۸، و ص ۲۱۸، روایت ۴۵.

١٠٨. متحضر الشهود: صبوحا تصيعا تسرقا و تفرحا و ميودحا بديما شبوحا تشتعشعا.

علی ابن ابیطالب ﷺ است که لشکر دشمن پس از کشتن حضرت امام حسین ﷺ و سوختن بال و پر پروانههای شمع وجود، به جایگاه و خیام امام حمله برده و خیمههای آنان را آتش زدند و فرزندان رسول خدا که به عظمت پرورده شده بودند از خیمههای سوخته برون شتافته و پراکنده ی بیابانها گشتند. سپاه عمر سعد به سرکردگی شمر لعنة الله علیه خیمه گاه را محاصره کردند شمر دستور داد وارد خیمه شوید و زینت و زیور زنان را غارت کنید! جمعی وارد خیام و حرم رسولخدا ﷺ شدند و هر چه بود به غارت بردند. قسمت دوم آیه اشاره دارد به زمان اسارت اهل بیت فارت مسین ﷺ که دشمنان خدا و پیامبر آن عزیزان را در بازار کوفه و شام به گردش درآورده و اهل بیت پیامبر را به مردم نشان دادند.

آیه بیستم

پیسا پرسنا و نیرمسا متکیسا و پیرسا متنیسا و متیحسا بیحوسا. یک دسته نفقه خورها و پایمال شدهها و جوقه بندها و

۱۰۹. از این آیه به بعد نیز در محضر الشهود هیچ مطالبی بیان نکرده و هیچ اشارهای به این آیات ننموده است.

دعاکنها و شجره بندها و به شجره بندها شجرهی معتبره خود را منتهی کرده.

اسارت:

جملات فوق خبر از صدمات بی شماری می دهد که پس از واقعه ی عاشورا متوجه ذریه پاک پیامبر گردیدکه به طور مشروح در تواریخ و به صورت مجمل در صفحات قبل توضیح داده شده است. منظور از نفقه خورها و.... وابستگان و خانواده عزیز پسر پیامبر هستند که پس از نهایت عزت و عظمت حقوقشان پایمال و حرمتشان هتک گشته و در فاصله اندکی شدیدترین مصائب را تحمل نمودند. خصوصاً عقیله اهل بیت و سرپرست کودکان و یتیمان زینب کبری بیش که می توان گفت فرمایش مادر بزرگوارش در مورد وی نیز مصداق پیاکرد که فرمود:

صبت عبلي منصائب لوانسها صبت على الايام صرت لياليا

ناگواری ها و مصائبی بر من ریزش کرد که اگر بر روزها فرو میریخت از شدت مصیبت همچون شب تار می شدند. ۱۱۰

۱۱۰. بشارات حهدین، ص ۳۹۳.

آیه بیست و یکم اتیا اوما مسر هبا بنی ادومه بیاد امتی سرسخت که از اولاد ادومی باشند

اولادادومي:

طایفه ی ادومی بر حسب آنچه مستر هاکس در قاموس مقدس نوشته از نسل «عیص» برادر یعقوب بوده اند و چون پیامبر از اولاد قیدار فرزند اسماعیل است، روی این اصل آن حضرت پسر عموی طایفه ی ادومی است. ۱۹۱۱ و چون بعضی از جنایتکاران کربلا و درباریان عسمر سعد و یزید از وابستگان حضرت میدالشهداه ملی بودند، از آنها به فرزندان ادومه یاد شده است. و علت بیان «سرسخت» این است که در طول تاریخ چنین جنایتی از هیچ کس سر نزده و هیچ کسی دست خود را به چنین خونی آلوده نکرده است. و دیگر علتش این بود که اباعبدالله ملی چندین مرتبه با آنان اتمام حجت کرد و راهنمائی های فرمود منتهی آن قوم سنگدل توجهی ننمودند.

۱۱۱. بشارات مهدین، ص ۲۹۴.

آیه بیست و دوم

لبع بوعا و مربه یابسا و رحیم ببت طوبه یشنا ببت انه از برای جوشش مردم و بسیاری در اصول و دوست داران جماعت خوب و دشمن داران جماعت کینه دار

محبت شيعيان:

طبق نقل صاحب بشارات عهدین اشاره دارد به عشق و علاقهای که مردم به امام حسین علی و عاشورا دارند که خون مردم را به جوش می آورد.

در این رابطه امام صادق ﷺ می فرمایند:

إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ اللَّهِ حَرارَةٌ في قُلُوبِ الْمؤمِنين لا تُبْرَدُ آبَداً؛ در شهادت امام حسين اللَّهِ آتشى در دل مؤمنين برپاست كه هيچ وقت سرد نخواهد شد ۱۱۲

و در ادامه آیه اشاره دارد به محبتی که اصحاب اباعبدالله المللة در کربلا به هم داشته و بغضی که از دشمنان آن حضرت به دل داشتند.

۱۱۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، باب ۴۹، ص ۳۱۸.

آیه بیست و سوم

من دروما یشکا ولحدا یدعه و بیشت قکه یرکه وبالف قاف یوقه. از ناحیه جنوب بسیارشود ـ و بغایت ماهی وار زیادگردد و در سال یکصد و بیست و پنج وارد شود ـ و غمگین گردد به جهت مصائبی که روی داده است بر اولادش ـ و هر هزار و یکصد درس گفته شود.

بنی عباس

طبق نقل بشارات عهدین این آیه اشاره به بنی عباس دارد که در نواحی جنوب رو به ازدیاد نهاد و مانند ماهیان دریا زیاد شده و در سال ۱۲۵ هجری شالوده های حکومتشان آماده شد. ارتباط بنی عباس با قیام عاشورا به این دلیل است که شالوده ی نهضت و خلافتشان بر اساس خونخواهی حضرت امام حسین المنالا نهاده شده بود و در نتیجه به نفع خودشان خاتمه دادند. با این وصف بنی عباس با همان قدرتی که از ناحیه ی قیام عاشورا و امام حسین المنالا و بنی هاشم و اولاد حضرت علی المنالا بدست آورده بودند با نهایت بی رحمی به حبس و تبعید و قتل و زجر اولاد

امیرالمؤمنین ﷺ پرداخته و امامان معصوم ﷺ را به شهادت رسانیدند.

مجلسيين

پایان آیه اشاره دارد به زمان مجلسیین که حوزهی علمیه شیعه در کمال عظمت بود و محصلین علوم دینی از محضر علمای بزرگ استفاده های علمی می نمودند. ۱۱۳

توضيح پاياني

صفحاتی که گذشت قسمت اول کتاب نبوئت هیلد بود. همانگونه که عرض شد علمای یهود تاکنون از مطرح شدن بخش دیگر این کتاب خودداری نمودهاند، هر چند ما در این زمینه تحقیقاتی زیادی انجام دادیم، ولی تاکنون به بخش دیگر دست نیافته ایم و به طور قطع از مفهوم آن آگاهی نداریم، تنها راهنمایی و اشاراتی است که قبلاً معروض داشتیم.

۱۱۳. بشارات مهدین.

منابع

۱. قرآن کریم

٢. نهج البلاغه

heavenward periodical 505 . T

issue 11 october 2001.

٢. احقاق الحق

۵. ارشاد

۶. از کربلا تا کربلا

٧. اسباب النزول، تفسير نبوي

۸. اسرار شهادت پیامبر

٩. اسرار كربلا

۱۰. اصول کافی

١١. اظهار الحق

۱۲. اعلام الورى

١٣. اقامةُ الشهود في رد اليهود

١٤. الاتحاف بحب الأشراف

10. الارشاد شيخ مغيد

١٤. البداية النهاية

١٧. الخرائج و الجرائع

١٨. الذرية الطاهرة دولابي

١٩. الرحلة المدرسيه

٢٠. الصراط المستقيم

٢١. الصواعق المحرقة

٢٢. الطبقات الكبري

23. المقائد الوثنية

٢٤. الكامل في التاريخ

٢٥. المعجم الكبير

۲۶. المغازي

۲۷. الهدى الى دين المصطفى

۲۸. امالی شیخ صدوق

29. انجيل برنابا

30. انساب الأشراف

٣١. انيس الاعلام

٣٢. اهل بيت در أثينه نهج البلاغه

33. بحارالاتوار

٣٤. بداية كثير

٣٥. بشارات مهدين

37. بصائر الدرجات

۳۷. پاسخ به شبهات

38. تاريخ الخلفاء

٣٩. تاريخ الخميس

۴۰. تاریخ طبری

٤١. تذكرة الخواص

۴۲. ترجمه لهووف سيد ابن طاووس

٤٣. تفسير الميزان

۴۴. تفسر برهان

۴۵. تورات (سفر تکوین، خروج،

لاريان، اعداد، تثنيه)

۴۶. تورات صهیونیست

47. تهذيب الاحكام

۴۸. جامع الاخبار و الاثار

۴۹. جهتگیری طبقاتی اسلام

۵۰. حافظ و پیر مغان

۵۱. حسين نفس مطمئنه

٥٢. حلية الأولياء

٥٣. خصائص الحسينية

۵۴. خصال شیخ صدرق

٥٥. دائرةالمعارف ألماني

06. دائرةالمعارف انگليسي

٥٧. دائرةالمعارف بستاني

۵۸. دائرةالمعارف روسي

٥٩. دائرة المعارف فضائي

. 9. ديوان اديب الممالك

٩٠. ذخائر العقبي

۶۲. رساله مادیه

٦٣. روضة الصفا

۶۴. روضةالواعظين

۶۵. ستیزهشناسی

69. سير اعلام النبلاء

۶۷. سیره ابن هشام

۶۸. سیره حلبی

۶۹. سیمای محمد

٧٠. شرح نهج البلاقه ابن ابي الحديد

٧١. صحف ادريس

٧٢. طبعات ابن سعد

٧٣. عرفان اسلامي

٧٤. عيون الاخبار

٧٥. غرر الحكم

٧٤. فروغ ابديت، آيةالله سبحاني

٧٧. فريآدرس دادخواهان

۷۸. قاموس مقدس

٧٩. كامل ابن اثير

٨٠. كامل الزيارات

۸۱. کتاب ارمیاه

٨٢. كتاب اشعيا

۸۳. کتاب اول و دوم شموئیل

۸۴. کتاب ایوب

٨٥. كتاب تواريخ ايام

۸۶. کتاب حبقوق

٨٧ كتاب حزقيل

۸۸. کتاب حکی

۸۹. کتاب دانیال

۹۰. کتاب زبور داود

٩١. كتاب صفيناه

۹۲. کتاب ملوک

٩٣. كتاب ناحوم

۹۴. کتابهای سلیمان (امثال، واعظ،

سرود)

٩٥. كتاب هوشيع

۹۶. کتاب یوشع بن نبی

٩٧. كشف الغمة

٩٨. كفاية الطلاب

٩٩. كمال الدين و اتمام النعمة

١٠٠. كنز الغوائد

١٠١. لمعات النور في بشارات الظهور

١٠٢. مجمع البيان

١٠٣. مجمع الزرائد

۱۰۴. محضر الشهود في رد اليهود

١٠٥. مروج الذهب

۱۰۶. مستدرك الوسائل

١٠٧. مشير الاحزان

١٠٨. مفاتيح الجنان

١٠٩. مقتل خوارزمي

۱۱۰. مقتل مقرم

١١١. مكاتيب الرسول

١١٢. مكيال المكارم

۱۱۳. مناقب ابن شهر آشوب

١١٢. منتخب الأثر

١١٥. منتهى الأمال

١١٤. منهاج البرامة

١١٧. ميزان الحق

۱۱۸ نشریه الکترونیک 18.08

١١٩. نظم دُروالسمطين

١٢٠. تقسُ المهموم

۱۲۱. نگرش پهود

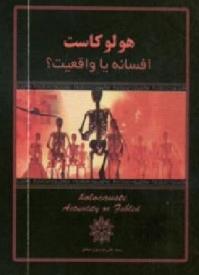
١٢٢. وقاء الوقاء

١٢٣. ينابيع الاسلام

١٢۴. ينابيع المودة

JEWRY BANTIING AFFLATUS JEWRY BANTIING AFFLATUS

برخی از آثار مؤلف درباره یهود و صهیونیست







JEWRY BANTIING AFFLATUS JEWRY BANTIING AFFLATUS

